اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۸۶
دوره دوم
دوشنبه ۲۹ تیر ماه ۱۳۶۰
بها ۲۰ ریال

ضد انقلاب سازمان یافته را درهم بکوبیم

بعد از انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی به ترور جنایتکارانه خود علیه مسئولان مملکتی ادامه دادند، که از جمله ترور رئیس زندان اوین، استاندار گیلان و معاون او را باید نام برد.

قرار دادن این جنایت ها در کنار صدها توطئه، حادثه، نیرنگ و ترفند، که از همان صبح ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد و تا کنون حلقه در حلقه دنبال شده است، زنگ خطر را بار دیگر به صدا در می آورد.

این انبوه توطئه ها و جنایات شوم، که همه حلقه های یك زنجیر واحد هستند، به روشنی تمام بیانگر این واقعیت است که این توطئه ها و جنایات حوادث و مسببان آن افراد، سازمان ها و گروه های پراکنده ای نیستند. اندکی دقت به مضمون همه توطئه ها و جنایات، از آشوب خیابانی گرفته تا بمب گذاری، از گسترش شایعات و تهمت ها گرفته تا پخش انواع اعلامیه های ضد انقلابی، از ترور گرفته تا اسید پاشی به چهره مردم و ... نشان می دهد که سازمان گسترده ای این جنایات را سازمان می دهد.

بقیه در صفحه ۱۱

در اتحاد عملی و پیکار جویانه

جمعه آینده، دوم مرداد ۱۳۶۰، مردم ایران برای انتخاب دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران و همچنین شرکت در انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی به پای صندوقهای رأی خواهند رفت.

پس از وقایع بسیار مهم یك ماهه اخیر که شکست جبهه متحد ضد انقلاب را با عزل پرچمدار بی افتخار این توطئه از مقام ریاست جمهوری مسجّل کرد، رأی گیری روز جمعه بی گمان حادثه ای در مقیاس بزرگ تاریخی خواهد بود. آنچه در انتخابات روز جمعه مطرح است از سوئی گزینش یك رئیس جمهوری وفادار به خط انقلابی سازش ناپذیر امام خمینی، راسخ در دشمنی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، مصمم به سرکوب ضد انقلاب داخلی و مبارزه پیگیر با ارتجاع منطقه است، و از سوی دیگر انتخاب نمایندگانی مؤمن به انقلاب و همگام با خواستهای بنیادی محرومان و مستضعفان

بقیه در صفحه ۱۱

اعترافی دیگر

طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق، در مورد روابط کشورش با اتحاد شوروی گفته است:

"از جمله دلایلی که در سال پیش باعث تیرگی روابط بین دو کشور شد، اجرا نکردن مفاد قرارداد تحویل تجهیزات نظامی به عراق از طرف شوروی بود". ــ بی. بی. سی برنامه ساعت ۲۲ مورخ ۶۰/۴/۲۱

اعتراف مجدد معاون اول نخست وزیر عراق که بی. بی. سی نیز مجبور به پخش آن شده است، یك بار دیگر کذب ادعای امپریالیسم خبری را مبنی بر ارسال تجهیزات نظامی شوروی به عراق، پس از تجاوز نظامی صدام به ایران، به اثبات می رساند.

امپریالیسم خبری و کارگزاران داخلی امپریالیسم آمریکا، با آغاز تجاوز آمریکائی صدام به جمهوری اسلامی ایران، هر چه در توان داشتند کوشیدند تا با نشر اخبار دروغ در مورد فروش و ارسال سلاح از جانب اتحاد شوروی به عراق افکار عمومی مردم و مسئولین جمهوری اسلامی ایران را بر ضد اتحاد شوروی برانگیزند و دست جنایتکار امپریالیسم آمریکا را پنهان سازند.

اما واقعیت بزودی بر این دروغ بزرگ چیره شد و بار دیگر برای امپریالیسم خبری و پیروان خط برژینسکی در ایران رسوائی به بار آورد.

فراخوان

«اتحاد دمکراتیک مردم ایران» با پشتیبانی از نامزدی آقای محمدعلی رجایی برای مقام ریاست جمهوری و نامزدهای پیرو خط امام در انتخابات میاندوره ای مجلس از عموم هم میهنان و هواداران خود دعوت می نماید که با شرکت وسیع و متحد در این انتخابات یکبار دیگر ارادهٔ راسخ خود را در نبرد مشترك با امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب پروردهٔ آن نشان دهند.

کارنامهٔ ابوالحسن بنی صدر (۲)

«من»

"... بنی صدر فردی جاه طلب ... است، نقش خود را محتاطانه با چشمداشت به روزی که خمینی از صحنه کنار رود بازی می کند ..." (از اسناد لانهٔ جاسوسی مربوط به ارتباط بنی صدر با عمال آمریکا، کیهان، ۳ تیرماه ۱۳۶۰)

"... بنی صدر: من بزرگترین اندیشه جهان معاصر هستم ... من کتاب تضاد و توحید خود را بزرگترین اثر قرن می دانم ... من تك رو نیستم، تك هستم ..." (مجله اطلاعات هفتگی، شماره ۲۰۴۵)

من، من، من، بهترین، بزرگترین، عالم ترین و عاقبت یگانه "مجتهد قرن":

"... بنی صدر می گفت مصداق مجتهد در دنیا منم ... اجتهاد این مقدار علم لازم دارد و همه این علم ها را من می دانم ..." (سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، به نقل از بنی صدر ــ نماز جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۰)

این سیمای راستین ابوالحسن بنی صدر است، که خود را در مقابل چشمان همگان عریان کرد.

وقتی ناگهان بنی صدر از پاریس رسید و با عکس ها، مصاحبه ها و سخنرانی های پی در پی، از اوج گمنامی به قله معروفیت دست یافت، مردم از او هیچ نمی دانستند. به زبان دیگر، چیزی نبود که بدانند. بنی صدر می گفت مبارزه کرده است، اما تاریخ را که ورق می زدی، نامی از او نبود. سلول های ساواك خاطره ای از او نداشتند. سال

بقیه در صفحه ۴

سادات - امین - بنی صدر

انورالسادات در مصر، حفیظ الله امین در افغانستان، ابوالحسن بنی صدر در ایران این خود یك "خط"، یك جریان، یك شیوهٔ عمل امپریالیسم بین المللی و سازمانهای جاسوسی آن (سیا، اینتلیجنس سرویس و غیره) است، برای درهم شکستن انقلابهای رهائی بخش و استقلال طلب خلقها از "درون".

انورالسادات با نقاب "ملی گرائی"، حفیظ الله امین با نقاب "مارکسیستی" و بنی صدر با نقاب "اسلامی" چهره خائنانه خود را

بقیه در صفحه ۲

افشای ابوالفضل قاسمی - یك درس عبرت آموز دیگر برای انقلاب

محاکمهٔ ابوالفضل قاسمی، دبیر کل حزب بختیار (حزب ایران) و از رهبران جبههٔ ملی، عامل ساواك و از سازماندهان توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران، در دادگاه انقلاب ارتش جریان دارد. طبق کیفر خواست دادستان انقلاب ارتش، قاسمی سالها با ساواك جنایتکار همکاری داشته و در قبال دریافت مزد برای آن جاسوسی میکرده است. در دوران پس از انقلاب نیز این عامل سرسپرده، فعالانه با جبههٔ براندازی برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران، همکاری می کرده، با بختیار رابطهٔ مستقیم داشته و زیر نظر و طبق رهنمود های وی عمل می کرده و گروهك ضد انقلابی خود (حزب ایران) را به لانه عمال و کارگزاران ضد انقلاب تبدیل کرده. بسونه

بقیه در صفحه ۲

حجت الاسلام ری شهری رئیس دادگاههای انقلاب:

پنج روحانی بزرگ و چند مشاور بنی صدر در کودتای نوژه دست داشتند

همهٔ دست اندرکاران در توطئهٔ کودتای نوژه باید به مردم معرفی شوند

حجت الاسلام ری شهری، رئیس دادگاههای انقلاب ارتش، در گفتگوئی با نشریه "آینده سازان" نکات تازه ای را درباره کودتای آمریکائی نوژه فاش و برای اولین بار اعلام کرد که پنج روحانی بزرگ وعده ای از مشاورین و اطرافیان بنی صدر در کودتای نوژه دست داشته اند.

حجت الاسلام ری شهری گفت: "اصولا ریشهٔ این کودتا، اساس این کودتا را همان عناصر آمریکائی داخل، که فراری هستند و در خارج از کشور هستند، رهبری بختیار و در داخل خود جبههٔ ملی، نمی خواهیم بگوئیم که همه افرادش در جریان بودند، ولیکن اصولا بختیار با بسیاری از این افراد در ارتباط بوده و جریان بعد هم این مسأله را نشان داد. بعد ااستخدام یك سلسله افراد ساواکی و بازنشسته ها و فراری ها و با مخارجی که مستقیما از طرف آمریکا و عراق تأمین می شد. یکعده هم افراد شاغل به آنها پیوسته بودند. جریانهای بعدی هم این مسأله را تأیید کرد که سرنخ این قضیه دست خود آمریکا بود. حتی خود رکنی می گوید در اول در ستاد کودتا که مطرح می شد، مساله این جور مطرح می شد که از طرف "سیا" دو طرح وجود دارد، یکی این که عراق حمله کند به ایران و یکی اینکه کودتائی انجام بشود ... بعد حق تقدم را دادند به کودتا، که اگر شد مسأله حل است، احتیاج به حمله عراق نیست، ولی پس از اینکه کودتا ناموفق شد، مسألهٔ حملهٔ عراق پیش آمد ...".

این اظهارات رئیس دادگاه های انقلاب ارتش بار دیگر نشان می دهد که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکای جنایتکار در ارتباط تنگاتنگ با ضد انقلاب داخلی و لیبرال ها چگونه نقشه های از پیش طراحی شده در "سیا" را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به مورد اجرا گذاشته است. ضد انقلاب برای اجرای نقشهٔ شوم خود از

بقیه در صفحه ۱۱

سادات-امین-بنی‌صدر

بقیه از صفحه ۱

پوشاندند. هرکدام از آنها را امپریالیسم مدتها در «آب نمک» خوابانده بود، هرکدام از آنها مدتها «گوش خوابانده»، تا در فرصت مناسب ضربه کاری خود را وارد کند.

انورالسادات از «یاران» جمال عبدالناصر بود. در انقلاب ۱۹۵۲ مصر برضد سلطنت فاروق عامل استعمار انگلستان، شرکت کرد، «بهترین دوست» ناصر شد، «وجاهت ملی» کسب کرد، خود را «ضد صهیونیست دوآتشه»، «ضد استعمار» و «ضد سرمایه داری» معرفی کرد، تاآنجا که شخصیت دوم مصر شد. وآنگاه که ناصر فوت کرد (یا او را بقتل رساندند — این مطلب هنوز زیر علامت سئوال است)، «انورالسادات» طبعا به ریاست جمهوری مصر انتخاب گردید

به محض اینکه انورالسادات کرسی ریاست جمهوری را اشغال کرد، لحن تبلیغات امپریالیستی نسبت به نظام حاکم بر مصر تغییر کرد. اظهار امیدواری کردند که سادات «عاقل» تر از ناصر باشد، مصر را از «چنگ شوروی» برهاند، «آزادی» را در مصر برقرار کند، به «جهان آزاد» بازگردد. در داخل مصر نیز خط تبلیغاتی مسمومی که در دوران ناصر «خجولانه» از سوی حسنین هیکل‌ها دنبال می‌شد، ولی نتیجه بخش نبود، یکباره فعال و گستاخ شد. مبنای این خط تبلیغاتی این «استدلال» بود: سیاست ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی باعث آن است که آمریکا و متحدانش از اسرائیل حمایت کنند. اگر مصر این سیاست را رها کند، دلیلی برای ادامهٔ حمایت از اسرائیل باقی نخواهد ماند. آنگاه مصر، که از لحاظ جمعیت و بنیه اقتصادی قوی تر است، اسرائیل را سرجای خود خواهد نشاند. پس باید از سیاست ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی دست کشید و برای این کار باید روی بر شوروی ترش کرد.

مدتی این «خط» جدید تبلیغ شد. تبلیغات ضد شوروی گسترش یافت، تبلیغات ضد آمریکائی خفیف و خفیف تر شد و کم‌کم سکوت ماند. سپس سادات وارد مرحله عمل شد. مناسبات با شوروی را تیره ساخت. مناسبات با آمریکا را «ترمیم» کرد و سرانجام ابتدا «خجولانه» وسپس باگستاخی سخن از لزوم صلح با اسرائیل را بمیان کشید. سپس سفر به تل‌آویو انجام گرفت وآنگاه موافقت نامه «کمپ دیوید» در آمریکا امضاء شد. آمریکا بر مصر دوباره مسلط شد. درهای کشور ابتدا به روی سرمایه دولتها و انحصارات امپریالیستی و سپس به روی مستشاران و سرانجام به روی «نیروی واکنش سریع» آمریکا گشوده شد.

بدینسان انقلاب ۱۹۵۲ ضد سلطنتی و ضد استعماری مصر از «درون» متلاشی شد. مصر مجددا در چنبره اسارت آمریکا و شرکاء افتاد. سادات نقاب «ملی گرائی» از چهره بدور افکند. عامل در «آب نمک» خوابیده مأموریت خود را به انجام رسانده بود و دیگر نیازی به نقاب نداشت.

حفیظ الله امین را نیز «سیا» در افغانستان، با نقاب «مارکسیست» و «کمونیست»، در «آب نمک» خوابانده بود. او «انقلابی دوآتشه» بود. و در این چهره نقش مؤثری در ایجاد شکاف در صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان وتجزیه آن به دو جناح «خلق» و «پرچم» ایفا کرد. بهترین دوست تره‌کی شد، پس از انقلاب ثور ۱۹۷۸ در افغانستان، که دولت دست نشانده داوود را سرنگون ساخت امین دومین شخصیت کشور گردید و عهده دار «امنیت» کشور شد. آنگاه شایعه پراکند که تره کی «آمریکائی» است، سپس در فرصتی مناسب باشقاوت کم نظیری تره‌کی را به وضع فجیعی کشت و «شخصیت اول» شد و یورش خونینی را به انقلاب وانقلابیون آغاز کرد. هرچه کادر فعال از حزب یافت، به قتل رساند هزاران نفر غیر حزبی انقلابی را کشتار کرد. به اعتقادات مذهبی اهالی همه نوع اهانت کرد، تا مردم را از انقلاب رویگردان کند.

حمام خونی که امین در افغانستان براه انداخت، باعث فرار صدها هزار نفر افغانی بخارج ازکشور، بخصوص به پاکستان شد. در آنجا عمال پاکستانی آمریکا، زیر نظر مستقیم جاسوسان «سیا» وکارشناسان چینی «رهبرانی» از عناصر ضد انقلابی افغانی ساختند و مهاجران را — که اکثرا ناآگاه و گمراه بودند — در اردوگاههای نظامی متشکل کردند. تهاجم نظامی از خارج می بایستی خرابکاری خونین داخلی را تکمیل کند و انقلاب را درهم شکند. ولی امین را انقلابیون در افغانستان بعنوان خائن شناختند و به مجازات درخور رساندند. دولت جدید انقلابی از اتحاد شوروی تقاضای کمک برای جلوگیری از تهاجم نظامی خارجی کرد. این تقاضا بر مبنای قراردادی که بین دو کشور وجود داشت، اجابت شد. انقلاب ضد امپریالیستی ومردمی افغانستان نجات یافت.

بنی‌صدر نیز — اکنون دیگر به قدر کافی روشن شده — که از «در آب نمک خوابیده‌ها» بوده است. نقاب این یکی «اسلامی» بود. قبل از اینکه نقاب «اسلامی» به چهره بزند، تاخود را «انقلابی اسلامی» جا بزند، در اروپا از کارگردانان «جبههٔ ملی» بود. از فردای انقلاب در ایران، «متکلم وحده» در رادیو- تلویزیون شد. خود را عالم دهر در تمام رشته‌های علمی وفنی و نظامی و اجتماعی و اسلامی معرفی کرد و ضمنا بی‌وقفه کوشید باجو ضد کمونیستی و ضد شوروی بازمانده از دوران طاغوت را حادتر کند و اختلاف و تفرقه بیاندازد

اختلاف و تفرقه بین نیروهای انقلابی راشدت دهد، مناسبات جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی را تیره سازد. این راه را بازگرداندن آمریکا (از راه اروپا) به ایران می‌دانست. لیبرال‌ها «هم خطی» خود را با او درک کردند و همه ضد انقلابیون دیگر نیز مقام ریاست جمهوری و بویژه مقام فرماندهی کل قوا، او را چنان سرمست از «موفقیت» کرد که «پابو او را برداشت». «سنجش افکار» کرد و دید، به «شخصیت اول» است. او بر روی کف امواج انقلاب خود را «سادات» ایران تصور کرد، بدون اینکه بتواند عمق اقیانوس متلاطم انقلاب را درک کند، ودر این اقیانوس مانند تکه کلوخی فرو رفت. انقلاب از گزند او در امان ماند.

سادات «ملی گرا»، امین «مارکسیست» و بنی‌صدر «مسلمان» یک خط، یک جریان، یک شیوهٔ امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، برای درهم شکستن انقلابهای رهائی بخش خلقهاست. باید به این شیوهٔ عمل توجه جدی کرد. در «آب نمک خوابیده‌ها» اتفاقی نیستند. انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی واسلامی ایران به رهبری امام خمینی، تاکنون نقاب ازچهره تعدادی نه چندان کم از آنها برگرفته است. ولی باید هشیار بود. همانطور که امام گفته‌اند، تفاله‌های آمریکا الان هم هستند. وسیلهٔ افشاء عقیم کردن خرابکاری آنها، گسترش و تعمیق انقلاب از موضع ضد امپریالیستی وضد آمریکائی است. هرگاه خط ضد آمریکائی، بی انحراف، بی شاخ و برگ‌های «منسی» کنندهٔ آمریکا، باقدرت ادامه یابد، نقاب از چهره این «در آب نمک خوابیده ها»، بناچار می افتد.

ابوالفضل قاسمی...

بقیه از صفحه ۱

است، باگروه‌های ضد انقلابی خلق مسلمان وکودتاچی، همکاری صمیمانه داشته و از طریق روزنامهٔ خود تبلیغات ضد انقلابی و تشنج آفرین را دامن میزده است. وی سرانجام پس از آن که به دستور بختیار هزینه تأمین شده توسط وی، خود را برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، نامزد کرد و پس از آن که همکاری وی با کودتاگران، پس از شکست کودتای ۱۸ تیر محرز گردید، بازداشت شد و اکنون در انتظار مجازات است.

محاکمه ای با اتهامات مذکور، اگر در یک عضو خود فروختهٔ عادی جریان داشت، شاید آنچنان اهمیت نمی‌داشت، اما از آنجا که این محاکمه در مورد فردی است که رهبرحزب ایران و ازرهبران جبههٔ ملی است و سالهاست زیر پرچم هواداری از مصدق و ملی گرائی سینه زده است، اهمیت ویژه کسب می‌کند.

محاکمه قاسمی، در واقع محاکمهٔ جریانی ورشکسته و ضد انقلابی است که دهها سال است، با دو روئی و عوام فریبی برای حفظ و تحکیم سیطره امپریالیسم آمریکا بر کشور ما، تلاش میکرده است و با پنهان کردن چهرهٔ واقعی خویش در پس اعتبار وحیثیت دکتر محمد مصدق و دکتر حسین فاطمی، فریبکارانه در صدد کشاندن جنبش انقلابی به راه سازش و تسلیم بوده است. سرنوشت رسوای ابوالفضل قاسمی، فرجام نهائی پویندگان جریانی است که میکوشند مصالح خلق را با مصالح دشمن اصلی آن آشتی دهند. این فرجام جز خیانت نیست.

درهمانحال محاکمه ابوالفضل قاسمی، یک بار دیگر این امکان مساعد را پدیدآورده است که با نگاهی به سیر و سرگذشت این جریان فاسد و ضد انقلابی، که اکنون با تمام قد در مقابل انقلاب ایستاده است، تاکتیک‌ها و روش‌های سرد مداران آن در اجرای رهنمودهای کارگزاران امپریالیسم آمریکا، برای سرکوب کردن و به شکست کشانیدن جنبش انقلابی، شناخته و از آنها درس گرفته شود.

اگراکنون برای همگان آشکار شده است که جبههٔ ملی و حزب ایران و بسیاری از رهبران آنها، جز در جهت مصالح و منافع غارتگرانهٔ امپریالیسم آمریکا، گام برنمیداشته‌اند، پس باید پذیرفت که روش‌های آنان نیز جز در این جهت نبوده و نیست و جز روش و تاکتیکی ضد انقلابی محسوب نمی‌شود.

عملکرد ابوالفضل قاسمی و افرادی نظیر او واحزاب و گروه‌های وابسته به بورژوازی لیبرال همواره محوریگانه‌ای داشته‌است: تبلیغ و مبارزه علیه کمونیستهای اصیل و کشورهای سوسیالیستی و در درجهٔ اول اتحاد شوروی به منظور ایجاد تفرقه در صفوف نیروهای انقلابی، جداکردن نهضت انقلاب از پشتیبانان صدیقش در جهان، منزوی کردن انقلاب در جهان و پاره پاره کردن نیروهای مدافع انقلاب در داخل وسرانجام ایجاد امکان برای ساقط کردن انقلاب.

رسول مهربان، عضو سابق کمیتهٔ مرکزی حزب ایران، که در سال گذشته از رهبری این گروهک ضدانقلابی کناره گیری کرد، در کتاب خود تحت عنوان «احزاب بورژوائی ...» تأکید می‌کند که از آستانهٔ کودتای ۲۸ مرداد، که کلیه عوامل امپریالیسم آمریکا در تلاش ساقط کردن دولت ملی دکتر مصدق بودند، محور اساسی واصلی تبلیغات تب آلود جبههٔ ملی و حزب ایران را کارزار ضد کمونیستی و ضد شوروی تشکیل می‌داده‌است

این تاکتیک آمریکائی وضد انقلابی، پایه و اساس موجودیت حرکت این احزاب بورژوائی را تشکیل می‌داده و می‌دهد. در دوران پس از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، مردمی واسلامی ایران نیز، درست در شرایطی که توطئه‌های عظیم کودتا و براندازی علیه انقلاب ایران تدارک می‌شد، قاسمی‌ها و بسیاری دیگر از رهبران جبههٔ ملی و حزب ایران، با تمام نیرو در بوق و کرنای تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی می‌دمیدند وتمام نیروی‌خود را برای منحرف کردن لبهٔ تیز مبارزهٔ انقلابی از امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن به سوی نیروهای انقلابی به‌کار می‌بردند. این بار توطئهٔ شکست خورد و معلوم شد که آقایان از همکاران صمیمی کسانی بوده‌اند که می‌خواستند جمهوری اسلامی ایران را در دریائی از خون غرق کنند. تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی نیز تنها پوششی برای توطئهٔ براندازی و بمنظور ایجاد شکاف در صفوف نیروهای انقلابی و برای فراهم کردن زمینه پیروزی توطئه بوده‌است. به گفتهٔ صائب امام خمینی: «شوروی رامطرح می‌کردند تاآمریکا منسی (فراموش) شود».

این درس بزرگی است که به بهای خونهای بسیار بدست آمده است. ابوالفضل قاسمی نیز درکنار خلق مسلمانی‌ها، قطب‌زاده‌ها، امیرانتظام‌ها، محققی‌ها و بنی‌صدرها، شاهد جدیدی است براین که کارزار ضد کمونیستی و ضد شوروی، جز از سوی امپریالیسم آمریکا هدایت نمی‌شود و جز به سود آن تمام نمی‌گردد.

متأسفانه هنوز این درس بزرگ از سوی تمامی نیروهای انقلابی جذب و درک نشده است. هنوز هم کسانی یافت می‌شوند که در چنین دام فرسوده‌ای بیفتند و کمونیست‌های اصیل و اتحاد شوروی، این دوستان داخلی و خارجی انقلاب را مورد حمله قرار دهند. اینان، بی‌آن‌که خود بخواهند، جبههٔ خلق راعملا تکه پاره می‌کنند و دشمن را شاد کام می‌دارند. آیاوقت آن نیست که این بخش از نیروهای صدیق انقلابی که مسلما خواستار پیروزی انقلاب هستند از افتادن در این دام بپرهیزند؟

از سوی دیگر آیا می‌توان این نکته را تصادفی دانست که قاسمی، عامل ساواک و همکار بختیار، ضمنا ازمؤسسین «کمیتهٔ دفاع از افغانستان» بوده است؟

افشای قاسمی‌ها از پیروزیهای انقلاب است و درس عبرتی نیز هست. امثال این درس عبرت آموز را باید همواره در برابر چشم داشت. پیروزی نهائی انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی واسلامی ایران در گرو آن است.

احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها

در هفته گذشته بدنبال اعلام اسامی نامزدهای ریاست جمهوری، احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف مواضع خود را در برابر انتخابات اعلام و نامزد مورد نظر خود را معرفی کردند. در زیر مواضع برخی از احزاب، جمعیت‌ها، سازمانها و گروه‌ها، که در دسترس "اتحاد مردم" بوده است، از نظر خوانندگان می‌گذرد. لازم به تذکر است که تا زمان تهیهٔ این مطلب، برخی از احزاب مانند حزب جمهوری اسلامی، با اینکه نامزد مورد نظر خود را تعیین کرده‌اند، در این مورد اطلاعیه‌ای منتشر ننموده‌اند.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه قم:

رئیس جمهور باید دسایس شیطان بزرگ را بشناسد

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با صدور اطلاعیه‌ای، ضمن اعلام پشتیبانی از آقای محمدعلی رجائی، اعلام کرده است:

" ملت مسلمان و مبارز ایران، اکنون در آستانه یک انتخاب حساس و بسیار مهم قرار گرفته‌ایم. در انتخاب رئیس جمهور و شخص دوم مملکت باید از دوره اول سرمشق گرفته و کسی را انتخاب کنیم که برای پیروزی انقلاب کوشیده و در راه انقلاب اسلامی رنجها و زندانها را تحمل نموده و پس از پیروزی بدون چشمداشتی بیاری انقلاب همت گماشته است".

این دفتر سپس شرایط رئیس جمهور را از جمله مسلمان و معتقد به قانون اساسی بودن ذکر کرده و ادامه داده است:

" شخصی که دوستان انقلاب و دشمنان آن مخصوصا شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار و دسیسه هایش را بخوبی بشناسد و در جهت صدور انقلاب اسلامی به جهان مستضعفان بکوشد".

جامعهٔ روحانیت مبارز تهران:

باشرکت گسترده در انتخابات ریاست جمهوری امید استکبار جهانی بسرکردگی آمریکا را به یأس کامل تبدیل کنیم

جامعهٔ روحانیت مبارز تهران با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در انتخابات ریاست جمهوری به آقای محمدعلی رجائی رای خواهد داد. در این اعلامیه آمده است:

" شرکت گسترده و همه جانبه توده‌های عظیم میلیونی ایران در انتخابات ریاست جمهوری تکلیف شرعی است و امری واجب و امید استکبار جهانی، بسرکردگی آمریکای خونخوار، را به یأس کامل مبدل ساخته و او درخواهد یافت که آفریدن فاجعه‌ جانگداز شهادت ۷۲ تن از صدیق ترین یاران با وفای امام امت مانند شهید مظلوم آیت اله دکتر سید محمد حسینی بهشتی جز آنکه ملت ایران را هرچه بیشتر ومنسجم تر، در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ثابت قدم تر سازد و موجب رسوائی بیشتر ضد انقلاب گردد، سودی برای جهانخواران در پی نخواهد داشت".

دفتر تحکیم وحدت انجمن‌های اسلامی:

فریاد "مرگ بر آمریکا" هرچه رساتر دامن می‌گسترد

دفتر تحکیم وحدت انجمن اسلامی و سازمان‌های دانشجویان مسلمان، در اطلاعیه‌ای مراتب حمایت خود را از نامزدی آقای محمدعلی رجائی اعلام داشت. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

" انقلاب سوم امت مسلمان ایران به رهبری امام عظیم‌الشأن خمینی کبیر با انگیزش یکپارچه مردم مسلمان پیرو ولایت فقیه با نیرومندی تمام، توطئه‌های پیاپی براندازی و انحراف جمهوری اسلامی را که توسط مستکبرین جهانی و در راس آنها شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار به اجراد رمی آید، خنثی می‌سازد وخطوط غربگرا و روبه آمریکا را به زیر می‌کشد و منافقین و معاندین ضد انقلاب را منکوب می‌سازد و باخشم قدس مقدس اسلامی فریاد همیشه "مرگ برآمریکا" هرچه رساتر برمیهن اسلامی‌مان دامن می‌گسترد و باشعار جاوید "الله اکبر، خمینی رهبر" درهم می‌آمیزد، درآستانه انتخابات ریاست جمهوری ایستاده‌ایم".

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی:

شرکت وسیع در انتخابات ریاست جمهوری، آمریکا را مأیوس خواهد کرد

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای پشتیبانی خود را از نامزدی آقای محمدعلی رجائی در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده است. در این اطلاعیه گفته شده که شرکت وسیع در انتخابات آمریکا را مأیوس خواهد کرد و موجب شکست جبههٔ متحد ضد انقلاب خواهد شد در اطلاعیه آمده است:

" ملت ایران بازهم مثل روزهای طولانی سرنگونی رژیم شاهنشاهی (انقلاب اول) و آغاز پربار رویاروئی مستقیم باآمریکای جهانخوار و افشا و طرد عناصر و خطوط غرب گرا (انقلاب دوم) یکپارچه و پرخروش در صحنه حاضر است تا باریشه کن کردن آخرین "تفاله‌های شیطان بزرگ" و "استقرار بی‌تزلزل خط امام برتمامی عرصه‌ها" (انقلاب سوم) به دوران شکوفائی و بالندگی انقلاب اسلامی بایاری خدای تعالی گام نهد".

حزب تودهٔ ایران:

برگزیدن دوّمین رئیس جمهور اسلامی ایران باید بصورت مشت دندان شکن برپوزهٔ دشمنان انقلاب، به سرکردگی آمریکا، درآید

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در بیانیه‌ای به تاریخ ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۰ به مناسبت انتخاب دومین رئیس جمهور اسلامی ایران توضیح داده است که:

" موضع حزب تودهٔ ایران در مورد انتخابات دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران بر پایهٔ ارزیابی های زیرین استوار است:

۱ـ برای آن که اشتباه گذشته تکرار نشود، باید کسی به مقام ریاست جمهوری برگزیده شود که در صداقت او به پیروی از خط امام خمینی، یعنی صداقتش به راه انقلاب، به دشمنی آشتی ناپذیرش با امپریالیسم جهانی، ارتجاع منطقه و ضد انقلاب داخلی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا به عزم راسخش برای مبارزه تاآخرین نفس در راه تأمین استقلال همه جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی میهن ما، در راه تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی تضمین شده در قانون اساسی و در راه دگرگونی های بنیادی درنظام اقتصادی جامعه به سود توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان زحمتکش تردیدی نتوان کرد.

۲ـ رئیس جمهور آینده باید بطور مسلم و بدون تزلزل در راه اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران گام بردارد. رئیس جمهوری آینده باید در این زمینه هم به ژرفای رهنمود بزرگ امام خمینی معتقد و برای پیاده کردن آن کوشا باشد. رهنمود تاریخی امام خمینی در زمینه اتحاد چنین است:

" اگر مسلمانید، بخاطر اسلام متحد شوید، واگرخدای ناکرده بهاسلام اعتقادی ندارید، بخاطر مصالح کشورتان دست از تفرقه بردارید و دست اتحاد و اتفاق بدهید".

(از سخنان امام خمینی در برابر نمایندگان سازمان‌های بنادر وکشتیرانی ـ بهمن ۱۳۵۹)

منافع حیاتی انقلاب ایران در این نبرد سرنوشت ساز علیه امپریالیسم و همدستانش در نبرد برای ریشه کن ساختن "جبههٔ متحد ضد انقلاب" ایجاب می‌کند و از رئیس جمهور می طلبد که در راه پیاده کردن این رهنمود پر ارج رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش خود را به کار برد.

۳ـ رئیس جمهوری آینده باید گذشتهٔ سیاسی اش پاك و بی لکه باشد. تجربهٔ عباس امیرانتظام و صادق قطب زاده وعلی محمد ایزدی و احمد مدنی و حسن نزیه و مقدم مراغه‌ای و ابوالقاسم صادق و ابوالحسن بنی‌صدر و نظائرشان به ما هشدار می‌دهد که به این گفته ژرف و پر محتوای امام خمینی بیشتر توجه کنیم:

" نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا. این تفاله‌هائی که قالب زدند خودشان را وما غفلت کردیم و الان هم هستند".

همین تفاله‌ها بودند که در دولت لیبرالی "گام به گام" جاگرفتند و انقلاب را تا لب پرتگاه سازش و تسلیم کشاندند. همین تفاله‌ها بودند که به صورت "جبههٔ متحد ضد انقلاب" زیر پرچم بنی صدر گرد آمدند. همین تفاله‌ها هستند که برای یك هدف مشترك، یعنی حفظ زنجیرهای اسارت وابستگی به امپریالیسم و تأمین ادامهٔ غارتگری بی‌بند و بار و جنایت آمیز کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، در صحنهٔ سیاسی هردم زیر نقاب های رنگارنگ تازه‌ای، از "اسلامی دوآتشه" گرفته تا "چپ ماوراء انقلابی"، ظاهر می‌شوند و می‌کوشند تا مردم را گمراه کنند و به دام اندازند. "خط" سیاسی این تفاله‌ها این بود و هنوز هم این است که انقلاب را از سمت گیری اساسی اش منحرف سازند.

امام خمینی در سخنان تاریخی روز ۱۱ تیر ماه ۶۰، این "خط" را به بهترین وجهی توصیف کرده‌اند:

" خط این بود که یك دسته شوروی را طرح می‌کردند، تا آمریکا منسی (فراموش) بشود. یك دسته الله اکبر را کنار می‌گذاشتند، سوت می‌زدند و کف می‌زدند، آن هم در روز عاشورا. خط این بود که این قضیه مرگ برآمریکا منسی بشود".

۴ـ برگزیدن دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران باید بصورت نمایش وحدت قاطبهٔ مردم میهن ما، نمایش اتحاد همه نیروهای انقلابی راستین، بصورت مشت دندان شکن بر پوزه دشمنان انقلاب، بسرکردگی آمریکا، درآید و "افسانهٔ" ۱۱ میلیون رای ادعائی بنی صدر معزول را درهم شکند.

۵ـ حزب تودهٔ ایران برآن است که باید به فراخوان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پاسخ مثبت دهیم و باتمرکز آراء به سود کاندیدائی که بیش از دیگران به تعهد تاریخی خود در پیروی از خط امام خمینی وفا کند، مشت محکمی بر پوزه دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ایران و بیش از همه امپریالیسم آمریکا، وارد آوریم.

با توجه به نکات بالا، حزب تودهٔ ایران از همان نخستین لحظات انتخاب آقای محمدعلی رجائی به مقام نخست وزیری، باوجود داشتن انتقادات جدی به برخی موضع گیری‌های ایشان در سیاست داخلی و خارجی و اجتماعی، از دولت ایشان در برابر هجوم "جبههٔ متحد ضد انقلاب" به رهبری بنی‌صدر پشتیبانی کرد.

حزب تودهٔ ایران امیدوار است که تجربه‌های تلخ و زیانبار در دوسال ونیمی که از انقلاب می‌گذرد، به ایشان کمك کند، تا در سیاست داخلی با پیگیری وقاطعانه در جهت تحکیم جبههٔ پهناور نیروهای راستین هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در سیاست اقتصادی در جهت پشتیبانی از دگرگونی های بنیادی علیه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و به سود توده‌های ده‌ها میلیونی مردم محروم و زحمتکش و در سیاست خارجی در جهت بهره گیری از پشتیبانی بی‌دریغ جبههٔ پهناور و نیرومند ضد امپریالیستی جهانی در نبرد سرنوشت ساز ما علیه امپریالیسم، ارتجاع و ضد انقلاب داخلی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا گام بردارد".

سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»

به آقای رجائی رأی می‌دهیم!

کمیتهٔ مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اطلاعیه‌ای بتاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۶۰ از جمله می‌گوید:

" تجدید انتخابات ریاست جمهوری حاصل پیشرفت مبارزه علیه خطی است که می‌خواست شعار "مرگ برآمریکا" فراموش گردد. خطی که با جریانات لیبرالی، مشکوك و سلطنت طلب باب مراوده و دوستی و هم پیمانی گشوده بود. خطی که می‌کوشید همه نیروهای مخالف و همه دشمنان انقلاب و خط مردمی و ضد امپریالیستی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را در یك جبهه متحد سازد.

اکنون با خلع بنی‌صدر از ریاست

بقیه در صفحه ۱۰

اتحاد مردم

شماره ۸۶ دوره دوم دوشنبه ۲۹ تیر ماه ۱۳۶۰

کارنامه ابوالحسن ...

بقیه از صفحه ۱

۱۳٤۱ از ایران رفت. می گفت دکترا دارد، ولی زود معلوم شد که آن را هم ندارد، حتی نوع فرانسوی‌اش را، که در بازار آزاد خرید و فروش می شود. اما کتابها نوشته بود، کتابهائی که اگر کیلوئی هم می فروختند ــ که میفروشند ــ خریدار ضرر می کرد. تنها کلی گوئی ها و دراز گوئی هائی بود هذیانی آمیخته با لیبرالیسم و مائوئیسم. در این کتابها، در سخنرانی ها و مصاحبه ها ابوالحسن بنی‌صدر، به گمان خودش، اقتصاددان بود، سیاستمدار بود، سخنران بود، نویسنده بود، شاعر بود، متخصص فنون نظامی بود، فیلسوف بود، مورخ بود، تئوریسین بود ...

اما در واقع او هیچ یک نبود. او یک بیمار روانی بود، که بیماری لاعلاجی به نام "من" داشت. قسمت دوم "کارنامهٔ ابوالحسن بنی‌صدر" اختصاص به بیان این "من"، به استناد اقوال و نوشته‌های خود او دارد.

* * *

ابوالحسن بنی‌صدر بدون کمترین رودربایستی اعتقاد داشت که "بزرگترین اندیشه جهان معاصر" است. طرح های آن جناب همه علمی بودند. او با تکان دادن یک دست بزرگترین فیلسوفان جهان را رد می کرد و با گفتن یک کلمه معماهای هستی را می گشود:

"... اید ئولوژی‌های حاکم بر این جهان را انتقاد قاطع کرده‌ام ..." ("روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد" جلد ٥، ص ۱۳٥)

البته توجه دارید که انتقاد قاطع بنی‌صدر، یعنی رد کردن تمام "اید ئولوژی‌های حاکم برجهان". کار بنی‌صدر رد کردن تئوری‌های گذشته بود. چهار ستون هر چه تئوری در جهان است، توسط ایشان مانند بید به لرزه درآمده بود:

"... من بعنوان منقد اندیشه غربی در محافل علمی غرب شهرت و اعتبار داشته‌ام کارهایم در زمینه سلطهٔ فرهنگی غرب به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر شده‌است آنچه درباره موازنهٔ قوا و انتقاد ورد نظریهٔ تضاد بیان کرده‌ام، اساس این تفکر را دچار تزلزل ساخته است ..." (همانجا، ص ۱۳٦)

والبته فقط غرب نیست:

"... اگر شما نوشته‌های مرا خوانده بودید قطعا تحقیق مرا درباره سلطهٔ فرهنگی و ریشه های آن در حاکمیت فلسفه یونانی از باستان تا امروز هم خوانده بودید و اگر خوانده بودید می دانستید و متوجه می شدید چه کوشش عظیمی بکار برده‌ام تا انسان را از اسارت فلسفه‌ای که هیچ حقیقتی جز زور و روابط میان زورهای متضاد نمی شناسد رها کنم ..." (همانجا، ص ۱٤۰)

و تازه حیطهٔ عمل بنی‌صدر به فلسفه ختم نمی شود. از آن شروع می شود، بعد به اقتصاد می رسیم و این که چگونه با "روش علمی" مشکلات اقتصادی را حل کرده ومیکند:

"... بیمه‌ها ملی شد، انبارهای عمومی ملی شد و بخش مهمی از صنایع ملی شد و در همهٔ اینها کوششهای من بی‌تأثیر نبوده‌است ..." (۲٦ تیر ۵۹ ــ کارنامهٔ رئیس جمهور)

البته نقائص این نوع ملی کردن به عهده ایشان نبود، همچنان که بقیهٔ نقائص. هرچه کار خوب بود، از جانب ایشان انجام شده بود و هرچه ناپسند از سوی "آن دیگران":

"... از وقتی که بخش بسیار کوچکی از اقتصاد (منظور وزارت دارائی و امور اقتصادی است) در حوزه مسئولیتم قرار گرفت، وابستگی هائی را که در آن حوزه قرار داشت، یکی پس از دیگری قطع کردم و اینک نوبت آنست که وابستگی های دیگر را نیز قطع کنیم ..." (۲٦ فروردین ۵۹ ــ کارنامهٔ رئیس جمهور)

وبه چنین رئیس جمهور با فرهنگی عده‌ای توصیه می کنند که برو کتاب اقتصاد بخوان و او در حالیکه شگفت زده است، می نویسد:

"... بسیار تعجب کردم. با این که اقتصاد توحیدی شاید بیش از یک میلیون نسخه در ایران در نوبت های متعدد چاپ و پخش شده و با این که غالب مجلات علمی وحتی روزنامه‌های دنیا راجع به خطوط اصلی این کتاب، که ما بر اساس آیات قران و برای تفسیر بنیاد های علم اقتصاد عرضه کرده‌ایم، مطلب نوشته اند ..." (٥ شهریور ۵۹ ــ کارنامهٔ رئیس جمهور)

به "من" می گویند برو کتاب اقتصاد بخوان! چه جسارتی! چه کسی توان گفتن این حرف را در محضر مقدس این شاه بی تاج و تخت داشته است؟

"... گفتم برای من دشوار است که اقتصاد نوشته باشم برپایه اخلاق ومعنویت. کیش شخصیت نوشته باشم ... برنامهٔ حکومت و دولت خود را بعنوان رئیس جمهور پایه برنامه را معنویت قرارداده باشم و تسلیم کسانی بشوم که از نظر من تصویب کنندهٔ این معنویت را بی قدر کرده‌اند ..." (۱۱ شهریور ۵۹ ــ کارنامهٔ رئیس جمهور)

و چنین بیماری بعد از پیروزی انقلاب به ایران آمد و بر امواج خونین انقلاب به مقام اولین ریاست جمهوری ایران رسید. این واقعه، که ۱۰/۷ میلیون رأی هم به دلائل مختلف در پشت خود داشت، بر حدت بیماری ابوالحسن بنی‌صدر افزود. او پنداشت که همه رویاها، تخیلات بیمارگونه و "من"، "من"هایش واقعیت داشته است. بیهوده نبود که بعد از انتخاب بمقام ریاست جمهوری خود را نقطهٔ عطف تاریخ ایران دانست:

"... زنان و مردان ایران، این انتخاب (انتخاب وی به سمت ریاست جمهوری) پایان شب سیاه و دراز تاریخ ایران است. آفتابی که در فردای این انتخاب سر برمی آورد، باید ما را شاد، مصمم وگستاخ بیابد. باید ما را آماده ساختن عصر جدید بیابد ..." (۳ بهمن ۵۸ ــ کارنامه)

و بنی‌صدر، به خیال خود، آن روز بزرگی بود که پس از آن شب سیاه ودراز می آمد:

"... دیدیم روستائیان جمع شدند، اطراف ما حلقه زدند ... مردم (مرا) شناختند و شروع کردند به شادی و شکرگزاری ..." (۲٤ مرداد ۵۹ ــ کارنامه)

وطبیعی است که وقتی دیدن بنی‌صدر شکرگزاری می آورد، اوکم کم به این فکر بیفتد که:

"... همانطورکه پیامبر ما در محیط سانسور آن روز راه بیرون رفتن از دیوارهای سانسور (را) پیدا کرد، من نیز با همان روش عمل می کنم و این دیوارها را ... می شکنم ..." (۲٦ تیر ۵۹ ــ کارنامه)

بنی‌صدر باور کرده بود که پیامبر زمان ماست. در حقیقت از ابوذر و سپس از علی آغاز کرد و آنها را نیز بسنده و پسندیده نیافت و به پیامبر اسلام دست یازید. وبه همین خاطر بود که "پیامبر دروغین" زمان ما اعتقاد داشت:

"... سپاس خدای را که رئیس جمهور شما همچنان زبان محرومیت های شماست. زبان آنهاست که حق می گویند و آماده‌اند بهای حق گوئی را بپردازند. امید ما به آینده انقلاب بهمین است ..." (۲٤ اردیبهشت ٦۰ ــ کارنامه)

یعنی این آقای مرغ حق، که لابد از خانواده مرغ طوفان بختیار است، خود را امید انقلاب و منجی ایران می دانست:

"... من برنامه‌ای را قرارداده بودم برای فعالیت های خودم، از وقتی که وارد ایران شدم، که این برنامه به اصطلاح تجدید حیات ایران است که تحت عنوان بیانیه جمهوری اسلامی ایران ... طرح کردم ..." (کیهان ــ از سخنان بنی‌صدر ۱ دیماه ۵۸)

و چنین بود که بنی‌صدر به تنهائی به "دشمن اصلی" به اصطلاح "دو ابرقدرت" تبدیل شده بود:

"... اینکه دشمن مرا خطر اصلی تلقی می کند، به لحاظ این است که ... میداند که یک قوه اجرائی کارآمد با یک برنامهٔ مشخص ... با استفاده از مغزها واستعدادها قادر خواهد شد برنامه استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را به اجرا درآورد ... چرا من دشمن اصلی هستم، به لحاظ این که ... مردم در رئیس جمهوری ... کسی را می بینند که معرف شکستن مرزها ومنع هاست ... کارگران کشور شکستن اصل انقیاد و تابعیت و استثمار را ... (در او) می بینند. دهقانان کشور او را نشانه شکستن اصل تابعیت می بینند. جوانان کشور در او ... بیان کننده حق ابتکار، حق تحرک، حق سازندگی، حق آزادی را می بینند ... از نظر بین المللی نیز برای سیاست دو ابر قدرت، دشمن اصلی بنی‌صدر است ..." (۲ خرداد ۱۳٦۰ ــ کارنامه)

وقتی این غول افسانه‌ای قرون واعصار که آمریکای امپریالیست و شوروی سوسیالیست او را دشمن اصلی می دانستند، به فرماندهی کل قوا منصوب شد و به جبهه ــ های جنگ تحمیلی رفت، خیلی زود اعلام کرد که پیروزی های جانبازان مسلمین در جبهه‌های جنگ تحمیلی تنها در ارتباط با وی میسر است و لاغیر. اصلا این او بود که در جبهه‌ها می جنگید:

"... حرف این است که شما ببینید یک کسی منتخب این مردم است (یعنی بنی‌صدر) در جبهه جنگ می جنگد، در نظر دنیا باید معرف صلابت و استقامت ملتی باشد که در حال جنگ است ..." (مصاحبه بنی‌صدر با روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳ اسفند ۵۹)

این بیمار مالیخولیائی که، شگفتا، اولین ریاست جمهوری اسلامی ایران بنام او رقم زده شد، پیروزی‌های سربازان دلیرمیهن را در جبهه‌های جنگ به حساب خود می گذاشت:

"... از تیراندازان وتوپچی ها خواستم که دقیق تیراندازی کنند و از دیده بان بپرسند که نتیجه چه شد؟ و نتیجه این شد که بنا به گزارش دیده بان آن تانک‌ها را توپخانه زد ..." (٦ آذر ۵۹ ــ کارنامه)

"من" های بنی‌صدر، خیلی سریع به "ما" بدل شد:

"... باتوجه به آنچه ما (منظور بنی صدر است) در خوزستان انجام داده‌ایم و توانائی ما (باز هم منظور بنی‌صدر است) در رهبری نیروهای مسلح به سوی پیروزی اهمیت و ابعاد اینگونه توطئه‌ها بیشتر معلوم و آشکار شود ..." (۱۳ آذر ۵۹ ــ کارنامه)

و فروتنی را نگاه کنید:

"... ای مردم، اگر خدمتی من در این جنگ کرده‌ام نا ممکن ممکن شد ونیروهای مسلح ما توانستند دشمن را سد کنند ... به گمان خود مدبرانه برخدمتی که برای حفظ آزادیهای شما کرده‌ام، ناچیزاست ..." (۲۰ آذر ۵۹ ــ کارنامه)

حتما می دانید که کارنامه‌های بنی‌صدر از روی نوار پیاده می شد. حال تصور کنید که بیمار ما، در اتاقی که زمانی محمد رضا پهلوی ملعون در دزفول در آن می نشست، میکروفن را مقابل دهان خود گرفته است ومی گوید:

"... اینکه دشمن روزهای جمعه و غیبت ما را برای حمله مغتنم می شمرد، برای این است که متوجه همان معنا که گفتم هست ..." (۲۳ آبان ۵۹ ــ کارنامه)

بیمار ما می افزود:

"... حضور من در اینجا ... برای ایجاد اطمینان در شماست ..." (۳۱ شهریور ۵۹ ــ کارنامه)

"... ارتش محتاج ... غرور است و حضور من در خوزستان برای جایگزین کردن این غرور در ارتش است ..." ("روزها بر رئیس جمهور چگونه می گذرد" ص ۲٤)

واین تنها در جبههٔ جنگ نبود که ابوالحسن بنی‌صدر یک تنه دشمن را شکست می داد. امپریالیسم آمریکا هم تنها از ترس این غول افسانه‌ای بود که می ترسید برنامه ــ هایش را در ایران پیاده کند:

"... لوموند نوشته بود و مخبرش هم به من گفت که اینکه اینها شما را دشمن اصلی می دانند، یک حقیقت بارز است ... ومن روشی در پیش گرفته‌ام و این مانع از آن است که آمریکائیها بتوانند برنامه شان را در ایران پیاده کنند ..." (۱۵ شهریور ۵۹ ــ کارنامه)

واین "من"، که آمریکا و شوروی از ترس او ماست ها را کیسه کرده بودند، فیلسوفان جهان از ارسطو تا لنین در برابرش لنگ انداخته بودند و متجاوزان صدامی منتظر غیبتش از جبهه می شدند، تا حمله را شروع کنند، در همه زمینه‌ها یک تنه می تاخت.

به مشتی از خروار توجه کنید:

ــ "من گفتم مقاومت نشان دهید ... ومردم مقاومت کردند و نشان دادند که تسلیم این بازیها نمی شوند." (انقلاب اسلامی ــ ۱ آذر ۵۹)

ــ "من کودتا را کشف کردم ...." (انقلاب اسلامی ــ ۳ شهریور ۵۹)

ــ "آمریکا می داند که من چه می کنم و ریشه‌های وابستگی را می خشکانم" (همانجا)

ــ "اگر دیدم که این دولت دولتی است که خط من را ندارد، من باید به مردم بگویم که این دولت دولت من نیست ..." (همانجا)

برچنین زمینه خود پرستی و کیش شخصیتی بود که بنی‌صدر به عروسک عمال آمریکا در ایران تبدیل شد، و بیش از همه مستقیم و غیرمستقیم، زمینه سوءاستفاده ــ های آمریکا و ضد انقلاب داخلی را فراهم آورد. گردانندگان دفتر هماهنگی رئیس جمهوری، که امروز ماهیت جنایتکارانهٔ بسیاری از آنان برملا شده است، با استفاده از همین روحیات، بنی‌صدر را دوره کردند و او را به هرسوی که خواستند کشیدند. در حقیقت برنامه این دفتر، که در آغاز به منظور هماهنگی همکاریهای مردم برای انتخاب رئیس جمهور بوجود آمد، محاصره روانی و برنامه‌های بنی‌صدر بود. این دفتر، که بلافاصله پس از انتخاب بنی‌صدر به سمت ریاست جمهوری به دفتر همکاری‌های مردم با رئیس جمهور تغییر نام یافت، کنترل کلیه امور بنی صدر را برعهده داشت و در حقیقت تنها کانال ارتباطی وی بود. از همین کانال بود که تحریک و تشنج وتوطئه

بقیه در صفحه ۱۱

تفسیر وقایع مهم جهان

انگلستان: جزیره یا آتشفشان

نظام سرمایه داری چه چیزی جز بحران تورم، بیکاری و فقر به زحمتکشان نوید می دهد، و واکنش زحمتکشان در برابر این پدیده ها چه چیزی جز اعتراض، اعتصاب، طغیان و انقلاب می تواند باشد؟ جزیره بریتانیا، دژ کهن سرمایه داری جهان، اکنون صحنه رویاروئی آن کنش ها و این واکنش هاست. انگلستان، امروز یکی از ضعیف ترین حلقه های امپریالیسم جهانی است. استعمارگران انگلیسی، که سرخاب رخساره شان از خون کودکان هندی و عرب و ایرانی و دیگر خلقهای اسیر رنگ می گرفت، در دوران پس از جنگ دوم جهانی، در اثر تلاشی و فرو پاشی امپراطوری بریتانیا در زیر ضربات متوالی جنبشهای آزادیبخش مواضع کلیدی خود را در اقتصاد و سیاست جهان از دست دادند و در مسابقه رقابت با سایر دولت های امپریالیستی پی در پی واپس و واپس تر ماندند و این ناتوانی و واپس ماندگی روزبه روز آنان را به خزیدن بیشتر در زیر بال امپریالیسم آمریکا و تبعیت از سیاست های ماجراجویانه آن وادار ساخته که این نیز بنوبه خود تمام تضاد های اقتصادی ـ اجتماعی جامعه انگلستان را تشدید نمود. اکنون انگلستان به لحاظ رشد اقتصادی (چه مطلق و چه نسبی) از تمام دولتهای بزرگ سرمایه داری عقب تر و به لحاظ طول مدت، بحران، شاخص تورم میزان بیکاری، به نسبت جمعیت آنان بسیار جلوتر است.

نگاهی گذرا به چند پیکره ابعاد وسیع بحرانی را، که این کشور سالهاست با آن درگیر است و سیاست اقتصادی محافظه ـ کاران هردم بر خانمانسوزی آن می افزاید، نشان می دهد. کافی است یادآور شویم، که "رشد" اقتصادی بریتانیا در سال گذشته منهای ۲/۵٪ بوده است. در دوازده ماه اخیر، بیش از یک میلیون تن دیگر به خیل بیکاران پیوسته اند. اکنون حداقل ۲/۵ میلیون نفر، یعنی ۱۰/۲٪ نیروی کار فعال بریتانیا رسما بیکار هستند. دولت تاچر، درمان دردهای بی پایان بریتانیا را در کاهش هنگفت مصارف اجتماعی، فرهنگ، آموزش و پرورش، بهداری و غیره و افزایش سرسام آور هزینه های جنگی و به اصطلاح "امنیتی" جستجو می کند. بیماری های علاج ناپذیر نظام سرمایه داری بیش از همه جوانان را آزار می دهد، تصادفی نیست که اکنون جوانان بریتانیا، پیشگام جنبش اعتراض علیه این نظام فرتوت شده اند. بگفته پیترشور، نماینده "حزب کارگر"، در حدود یک میلیون دختر و پسر جوان بریتانیائی از حق کار محرومند. جیم ترایر، وزیر کار بریتانیا برخلاف رئیسه فریبکارش تاچر، که تظاهر ـ کنندگان را "اوباش" می نامد، اعتراف می کند که علت عمده "ناآرامی های کنونی بیکاری وسیع در میان جوانان است".

تظاهرات گسترده کنونی جوانان بریتانیا دنباله شورش های پی در پی ماه ـ های اخیر مردم این کشور علیه محرومیت ـ های اجتماعی است که تبعیضات نژاد ـ پرستانه نیز یکی از مظاهر آن است.

رویداد های خونین بریکستون، در آغاز سال جاری، که در جریان آنها ۲۵۰ تن مجروح و ۲۲۴ نفر دستگیر و محکوم شدند، یکی از بزرگترین امواج اعتراض علیه تبعیضات نژادی بود. تبعیض نژادی در تمام کشور ـ های امپریالیستی بصورت آشکار یا نهان وجود دارد و قبل از هرچیز بصورت استثمار وحشیانه رنگین پوستان (آمریکائی ـ ها و آسیائیها) ظاهر می گردد.

مدتهاست که سرمایه داران بریتانیا در این کشور از شهروندان مستعمرات سابق بعنوان نیروی کار ارزان استفاده می کنند. اما هنگامی که بحران اقتصادی ـ اجتماعی شعله ور می گردد، همه کاسه ها و کوزه ها را بر سر این محرومان می شکنند.

روزنامه انگلیسی "دیلی میرور" می ـ نویسد:

"رنگین پوستان کثیف ترین شغل ها و سنگین ترین کارها را بعهده دارند، بیکاری در میان آنها از همه گسترده تر است. سطح زندگی شان از دیگران نازل ـ تر است و در فلاکت بارترین شرایط زندگی می گذرانند".

مقامات دولتی کوشیدند که تشنج های کنونی انگلستان را نیز مانند ایرلند به تفرقه در بین مردم بکشانند و اعتراضات جوانان را به جنگ نژادی بین سفید پوستان و رنگین پوستان تبدیل کنند. این حیله نگرفت. جوانان سفید پوست انگلیسی دوش بدوش رنگین پوستان هندی و پاکستانی و... به پلیس حمله می کنند.

ساندی تایمز می نویسد: "انگلستان با بحران بیسابقه ای در دوران پس از جنگ روبرو شده است".

با جرات می توان گفت که در اروپای غربی و در صف نخست در انگلستان، نسل تازه ای از جوانان پا بعرصه وجود گذاشته است، که دیگر حاضر نیست به سیاست، ماجراجویانه مقامات حاکم و بی اعتنائی آنان نسبت به سرنوشت خویش بی اعتنا بماند. در آلمان غربی، ایتالیا، فرانسه و سایر کشورها نیز جوانان به اشکال مختلف با این سیاست بمبارزه برخاسته اند. اعتراض و نارضائی در میان جوانان آلمان غربی، از جمله اعضای سازمان جوانان حزب حاکم، واقعا شکل توده ای به خود گرفته است. چندی پیش ۶۰ هزار نفر از جوانان آلمان غربی تظاهرات پر شوری علیه تصمیم ناتو دایر به استقرار موشکهای آمریکائی در خاک آلمان فدرال بر پا کردند. در فرانسه رای جوانان یکی از عوامل عمده سقوط حکومت ژیسکاردستن بود. در ورنمای تیره زندگی، در جامعه ای که نمی تواند به میلیونها جوان کار بدهد، آنانرا به صحنه مبارزات خونین می کشاند. اکنون بدلایل متعدد بریتانیا صحنه این مبارزه است. نزدیک به دو هفته است که تظاهرات گسترده جوانان سراسر بریتانیا را به میدان درگیری ـ های خشم آگین جوانان و پلیس مبدل ساخته است. درگیری نخست در لیورپول آغاز شد و سپس بسرعت به لندن، منچستر، هال، ناتینگهام، دربی، لستر و سایر شهرها سرایت کرد.

مقامات حاکم، بخصوص اکنون که حزب مرتجع محافظه کاران زمام دولت را در دست دارد، طبق معمول می کوشند اعتراض کنند ـ گان را مشتی "اوباش" قانون شکن وانمود سازند و آنانرا با خشونت سرکوب کنند. بر پایه گزارش های رسمی، تاکنون صدها نفر از تظاهرکنندگان مجروح شده اند. شماره دستگیر شدگان بحدی اندازه ای است، که در زندانها برای آنها جائی نیست، و بگفته "وایت لا ئو، وزیر کشور بریتانیا، به اردوگاه ـ های نظامی و سربازخانه ها اعزام خواهند گردید. طبق اظهارات وایت لا ئو، فزون بر این، دادگاه های ویژه ای برای محاکمه دستگیر شدگان تشکیل خواهد یافت. وی همچنین به پلیس دستور داده است، که از این پس از گلوله های پلاستیکی بیشتر استفاده بعمل آورند، گلوله هائی که آزمایش خود را بر تن مبارزان ایرلند شمالی داده اند.

آنگاه که شیوه های فریب دیگر کارساز نیست، زور عریان به صحنه می آید و اگر پلیس کافی نبود، ارتش نیز تانکها و توپهای خود را به خیابان ها می ریزد. و این است "حقوق بشر" در "جزیره آزادی"، حقوقی که سازمانهای بین المللی آنها جمهوری نوپای ما را به "گناه" عدم رعایت آن سرزنش می کنند، اما گلوله هائی را که بر قلب جوانان رنگین پوست در انگلستان و آمریکا و آفریقای جنوبی و... می نشیند و بمب هائی را که راهزنان اسرائیلی بر سر زنان و کودکان فلسطینی می ریزند، نقل و نبات می شمارند که باید آنرا بلعید و سپاسگزار نیز بود. واقعا هم بین آن گلوله ها و این بمبها هر چند یکی در انگلستان و دیگری در لبنان به کار برده می شوند، هیچ فرقی نیست، هر دو دشنه ایست که با دست سرمایه بر قلب مستضعفان می نشیند و این دست، یکی است.

اسرائیل دشنه امپریالیسم در قلب دنیای عرب

رادیوی بی. بی. سی سخنگوی غارت ـ گران بریتانیائی، که در ظرف دو هفته اخیر در خاک خود شان آنهمه جنایت آفریده اند با همان خونسردی پلیس هائی که جوانان انگلیسی را گلوله باران می کنند، خبر میدهد که "جتهای جنگنده اسرائیلی طی روزهای گذشته پی در پی به نقاطی در لبنان حمله کرده اند و در این حملات عده ای را کشته و عده ای را زخمی کرده اند". بی. بی. سی می گوید که راهزنان اسرائیلی بخصوص به پناهگاه ها و غارهائی که فلسطینی ها در آن مخفی شده اند، حمله می کنند.

همزمان با روی کار آمدن ریگان، راهزنان اسرائیلی موقع را برای آغاز حملات گسترده بر مخالفان عرب خود در جبهه پایداری مغتنم شمردند. اسرائیلی ها می ـ خواهند قبل از آن که اعراب بتوانند در برابر اسرائیل و حامیان آمریکائیش جبهه واحدی تشکیل دهند. (چیزی که اعتلای جنبش انقلابی در منطقه می تواند زمینه ساز آن باشد) پیگیرترین نیروها و دولت های ضد امپریالیستی را جداگانه مغلوب و یا لااقل ضعیف کنند. خیانت سادات و جنگ تجاوزکارانه صدام بر ضد ایران فرصت مناسبی بدست اسرائیل و حامیانش داده است و این فرصت می تواند در یک چرخش تاریخی (که بسیار محتمل بنظر می رسد و علائم نخستین آن هم در مصر و هم در عراق بچشم می خورد) از دست برود.

یاسر عرفات در پاسخ خبرنگار نیوزویک، راجع به آینده انور سادات چنین می گوید: "سیل براه افتاده است. من مصر را خوب می شناسم. من در ارتش مصر افسر بودم. در دو جنگ، یکی بر ضد اشغال انگلستان، و دیگری در جنگ کانال سوئز، علیه اسرائیل، فرانسه و انگلستان در سال ۱۹۵۶ شرکت داشتم. من مردم مصر، توده ها و تمایلات آنها را می شناسم. مصریها مانند خود رودخانه نیل در سطح آرام و زیبا هستند. اما هنگامیکه سیلابها روانه می شوند، همه چیز را زیر و رو می کنند".

و بی شک در تمام منطقه روان خواهند شد. اسرائیلیها می خواهند تا آب آرام است کشتی خود را بساحل آرزو برسانند. نخستین هدف آنها نیز سوریه و لیبی است.

اسرائیلی ها می خواهند سوریه را در یک جنگ فرساینده محلی درگیر کنند، مقاومت رهبری آن را، در هم بشکنند. و آن را به تسلیم وادار سازند. "بحران" موشکی و ماجراجوئیهای دیگر آنان این هدف را دنبال می کند. آمریکائیها نیز بعهده گرفته اند که نگذارند دولتهای "میانه رو" عرب، به ویژه عربستان سعودی، به پشتیبانی قاطع از سوریه برخیزند. فیلیپ حبیب برای اجرای این مأموریت به خاورمیانه آمده است آنچه دیپلوماسی آمریکا را به موفقیت در اجرای این سیاست امیدوار می کند، منافع مشترک اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا و حکام عربستان سعودی است، که دهها میلیارد دلار آنان در بانکها و شرکت ـ های آمریکائی و غیره بصورت ودیعه یا سهام بکار انداخته شده است. امپریالیست ـ های آمریکائی و راهزنان اسرائیلی اطمینان دارند که اقدامات عربستان سعودی در مورد حمایت از "آرمان" ملت عرب از مرحله حرف تجاوز نخواهد کرد. زمامداران عربستان سعودی در مورد لیبی حتی همان حرف را هم نمی زنند. جای شگفتی نیست که در حال حاضر لیبی، این کشور کوچک عربی از هرسو در معرض بزرگترین فشارها قرار گرفته است.

لیبی ـ نخستین هدف توطئهٔ امپریالیستی ـ صهیونیستی

بدنبال خبری که چندی پیش نیوزویک درباره تصمیم دولت ریگان راجع به کمک به همسایگان لیبی برای سرنگون کردن حکومت قذافی منتشر کرد، دولت لیبی فاش کرد که توطئه ای با شرکت سادات و اسرائیل بر ضد لیبی طرح شده است. جزئیات این توطئه را روزنامه های کشورمان شرح دادند.

همبستگی کشورهای عضو جبهه پایداری با یکدیگر و همبستگی نیروهای انقلابی جهان با آن کشورها می تواند در این برهه از زمان در عقیم گذاردن توطئه های امپریالیستی نقش تعیین کننده داشته باشد. سفر حافظ اسد به لیبی و الجزایر و پشتیبانی دولت جمهوری اسلامی ایران از مبارزه این کشورها بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم را می توان گامهای موثری در این جهت دانست. سوریه و لیبی به اتکاء دوستان شوروی خود مردانه در برابر اسرائیل و امپریالیسم ایستادگی می کنند و با این ایستادگی روح امید به پیروزی را در دل خلقهای عرب شعله ور می سازند. مقاومت دلیرانه آنان در برابر تجاوز و زور ـ گوئی اسرائیل و حامیانش بخصوص در برابر سیاست رذیلانه سادات، که آستانبوسی بگین و ریگان را به اصل اساسی سیاست خارجی مصر تبدیل نموده است، درخشش خاصی پیدا می کند.

بقیه در صفحه ۹

جنبش آزادیبخش ملی عرب گسترش می یابد

در اواسط دسامبر ۱۹۸۰ (اوایل دی ماه ۱۳۵۹) کنفرانسی مرکب از نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب برگزار شد. در این کنفرانس، مناسبات میان این احزاب و راه‌های تقویت آن و اوضاع بین المللی، بویژه در جهان عرب و منطقه، مورد بررسی قرار گرفت. کنفرانس نامبرده بیانیه‌ای صادر کرد، که متن آن با تلخیص جزئی در زیر از نظر خوانندگان می گذرد:

* * *

مسائل بین المللی

در دوران اخیر، امپریالیسم ایالات متحده و کشورهای "ناتو"، با سیاست رویاروئی با تنش زدائی بین المللی و بازگشت به جنگ سرد، اوضاع بین المللی را بس وخیم ساخته اند. این سیاست در افزایش بودجه تسلیحاتی کشورهای امپریالیستی، تولید انواع جدید جنگ افزارهای هسته‌ای، شیمیائی و باکتریولوژیک، استقرار سیستم های جدید موشکی ـ هسته‌ای میان برد در اروپای باختری، اعلام استراتژی هسته‌ای جدید از سوی ایالات متحده در توجیه جنگ هسته‌ای "محدود" و کوشش برای مشارکت فعالانه کشورهای اروپای غربی و ژاپن در استراتژی تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده نمایان می شود.

امپریالیسم ایالات متحده از کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان و پیروزی انقلاب ایران بعنوان بهانه‌ای برای وخیم سازی اوضاع بین المللی و خودداری از تصویب "سالت ـ ۲" و اجرای پاره‌ای از قراردادهای اقتصادی و بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی سوء استفاده کرده است. از سوی دیگر، ایالات متحده به تمرکز نیروهای دریائی خود در اقیانوس هند، دریای عرب و خلیج فارس و ایجاد "سپاه واکنش سریع" دست یازیده است، که یگان‌های پیشتاز آن هم اکنون در منطقه خلیج فارس استقرار یافته اند. فزون براین، امپریالیسم ایالات متحده از تهدید کوبای سوسیالیستی دست برنداشته است، از دشواری‌های داخلی لهستان برای دامن زدن به بحران و تضعیف نظام سوسیالیستی در آن کشور بهره می جوید و از کنفرانس امنیت مادرید برای آغاز کارزاری بهتان آمیز علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی استفاده می کند.

علیرغم کوشش اتحاد شوروی برای تحکیم روند تنش‌زدائی در مناسبات بین المللی و کاهش نیروهای مسلح در اروپای مرکزی و فراخوان این کشورها مبنی بر تقلیل متعادل جنگ افزارهای استراتژیک، امپریالیسم ایالات متحده همچنان در راه افزایش وخامت اوضاع بین المللی تلاش می ورزد. یکی از بازتابهای این سیاست روی کار آمدن رونالد ریگان، یکی از نمایندگان راستین مجتمع نظامی ـ صنعتی در ایالات متحده است.

فعالیت تب آلود امپریالیسم بین المللی، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، خطری واقعی برای صلح جهانی بشمار می رود. این واقعیت نیروهای مترقی بشریت را با وظایفی بی سابقه در زمینه تشدید مبارزه در راه تقویت روند تنش زدائی و رویاروئی با نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم مواجه می سازد.

رهبری چین نیز، بنوبه خود، با وحشی ترین محافل ارتجاعی، امپریالیستی و انتقام جو علیه کشورهای سوسیالیستی هم پیمان شده است، به اقدامات تحریک‌آمیز علیه ویتنام و کامپوچیا دست می زند و، با همکاری نزدیک با امپریالیسم ایالات متحده، پاکستان، عربستان سعودی و رژیم سادات، علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به دسیسه می پردازد.

همبستگی نیروهای جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش بین المللی طبقه کارگر، نیروهای دموکراتیک کشورهای سرمایه داری و نهضت آزادی بخش ملی جهانی شرط لازم تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و برای صلح، استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم است: کنفرانس علمی بین المللی برلین در پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان، که در اکتبر ۱۹۸۰ زیر عنوان "پیکار مشترک طبقه کارگر و جنبش آزادی بخش ملی علیه امپریالیسم و برای پیشرفت اجتماعی" با شرکت ۱۱۶ حزب کمونیستی و کارگری و نمایندگان جنبش آزادی بخش ملی برگزار شد، نمایانگر این وحدت است. لازمست که وحدت این سه نیروی محرک روند انقلابی دوران ما ـ دوران گذار بشریت از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و پیروزی انقلابهای آزادی بخش ـ را از این نیز بیشتر تحکیم بخشد.

اوضاع جهان عرب

جنبش آزادی بخش ملی عرب پیکار خود را علیه دسیسه "کمپ دیوید"، راه حل های تسلیم جویانه امپریالیستی و تلاش ایالات متحده و اسرائیل برای استقرار برتری‌طلبی خود در منطقه از راه پیمان نظامی ـ سیاسی سه جانبه میان رژیم سادات، اسرائیل و ایالات متحده ادامه داده است. هدف از این پیمان پیشبرد نقشه‌های استراتژیک و تجاوزکارانه "واشنگتن" در منطقه و منافع انحصارات ایالات متحده، بویژه انحصارات نفتی است. مقصود از این بند و بست همچنین مقابله با جنبش آزادی بخش ملی عرب و حفظ رژیم های ارتجاعی و فاسد است. همه اینها ثابت می کند که باید، با رویاروئی با این مقاصد شوم و افشای سرشت خطرناک آنها، در برابر دسیسه "کمپ دیوید" مقاومت ورزید. این یگانه راه مبارزه با این توطئه است و نه آن مقاومت صوری و لفظی، که عربستان سعودی و دیگر رژیم های ارتجاعی عرب بدان متوسل شده اند. این کشورها در گفتار با "کمپ دیوید" مخالفت می کنند، اما در کردار بیاری ایالات متحده می شتابند و می کوشند تا آنرا از بن بستی که در نتیجه راه حل های جداگانه در خاور میانه، بدان دچار شده است، رهائی بخشند. بویژه پس از تغییر رهبری در "واشنگتن"، که با استقبال ارتجاع عرب روبرو شد، کشورهای نامبرده به تحکیم مناسبات خود با ایالات متحده اقدام ورزیده اند.

حکمرانان عربستان سعودی، علیرغم فریادهای عوام فریبانه خود درباره "جهاد"، کشور خود را به جولانگاه نیروهای مسلح امپریالیسم ایالات متحده، از جمله نیروی هوائی آن بدل ساخته اند و اعتراضات دیگران را نادیده می انگارند. آنها گستاخی را بجائی رسانده اند، که سرهنگ قذافی را، تنها بخاطر آنکه حضور نظامی ایالات متحده را در عربستان سعودی و خلیج فارس محکوم کرده است، "کافر" خوانده اند. این فرمانروایان سعودی بودند که عراق را به آغاز جنگ علیه ایران تشویق کردند، تا بدین وسیله اذهان را از مهم ترین مسئله خلق های عرب منحرف سازند. کشورهای محور عربستان سعودی ـ اردن ـ عراق کنفرانس سران عرب در "امان" را فراخواندند و از شرکت "جبهه ملی پایداری و رویاروئی"، بویژه سوریه و "سازمان آزادی بخش فلسطین" ـ یعنی دو نیروی عمده مبارزه با اسرائیل ـ در آن جلوگیری کردند.

این رویدادها بار دیگر قطب گرائی نیروهای جهان عرب را نشان داد و موضع رژیم های ارتجاعی و راستگرا را فاش کرد. قصد از فراخوانی این کنفرانس سران آن بود، که در مصوبات کنفرانس های سران "رباط" و "الجزیره"، که "سازمان آزادی بخش فلسطین" را بمنزله تنها نماینده راستین خلق عرب فلسطین برسمیت شناخته بودند، خلل وارد آید و ملک حسین اختیار یابد تا خود را نماینده فلسطینی ها جا بزند. یکی دیگر از هدف های کنفرانس سران عرب در "امان" تحمیل پشتیبانی اعراب از جنگ عراق علیه انقلاب ایران بود.

در این میان، اسرائیل سرکوبگری‌های خونبار خود را علیه فلسطینی ها، چه در داخل مناطق اشغالی و چه در خارج از آن، ادامه داده و مرتکب جنایات شومی علیه رهبران اعراب فلسطین شده است. اسرائیل، از یکسو، اینان را از میهن خود بیرون می راند و، از سوی دیگر، تجاوزات خود را علیه جنوب لبنان پیگیری می کند. امپریالیسم دسیسه‌های خود را علیه جنبش آزادی بخش ملی عرب، بویژه بر سر مسئله فلسطین، گسترش بخشیده است در همین چارچوب است که باید فعالیت "انترناسیونال سوسیالیستی" و ابتکار کشورهای اروپای باختری را برای شرکت دادن دیگر کشورهای عرب در ساخت و پاخت "کمپ دیوید" و رهائی آن از بن بست کنونی، ارزیابی کرد. اما، جنبش آزادی بخش ملی عرب، علیرغم همه مشکلات موجود، توانائی آنرا دارد که از عهده وظایف خود برآید و در برابر توطئه‌های امپریالیستی ایستادگی نشان دهد. پایداری سوریه در برابر امپریالیسم و ارتجاع، پیمان دوستی و همکاری میان سوریه و اتحاد شوروی، پیکار قهرمانانه ساکنان کرانه غربی رود اردن علیه اشغالگران اسرائیل و نقشه "خود مختاری"، مقاومت نیروهای ملی ـ میهن دوست لبنان و نیروهای انقلاب فلسطین، برهبری "سازمان آزادی بخش فلسطین"، در قبال دشمن صهیونیستی و دسیسه تجزیه لبنان و انهدام جنبش مقاومت فلسطین در این کشور، این واقعیت را بثبوت می رساند.

در این زمینه باید همچنین از تحکیم رژیم مترقی یمن دموکراتیک، تقویت "جبهه ملی پایداری و رویاروئی"، روند وحدت سوریه و لیبی بر پایه دموکراسی و مبارزه ضد امپریالیستی و موفقیت میهن دوستان مصری و عراقی در دستیابی به وحدت در چارچوب جبهه‌های ملی ـ میهن پرستانه و دموکراتیک، از جمله نیروها و احزاب مخالف رژیم در مصر و عراق، نام برد. دیگر نشانه‌های توان جنبش آزادی بخش ملی عرب عبارت است از تصرف مسلحانه مسجد مکه، شورش های مردمی در مناطق خاوری عربستان سعودی و پیکار فزاینده خلق های خلیج فارس و شبه جزیره عرب در راه دموکراسی و علیه حضور نظامی ایالات متحده در منطقه.

ضرورت تشدید مبارزه جنبش آزادی بخش ملی عرب علیه امپریالیسم، صهیونیسم، تسلیم جوئی و ارتجاع ایجاب می کند که "جبهه ملی پایداری و رویاروئی" تقویت و از هر وسیله‌ای، از جمله قدرت اقتصادی کشورهای عرب، برای پیروزی این مبارزه استفاده شود.

همچنین لازمست که از مبارزات توده‌ای در راه حقوق دموکراتیک و تامین خواست های ملی هواداری کرد، این مبارزات را به گونه‌ای کارآتر با پیکار علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع پیوند داد و "کنگره خلق های عرب" را تقویت بخشید و آن را به جبهه‌ای گسترده و راستین، با شرکت نیروها و احزاب ملی کشورهای عرب، مبدل ساخت. در هر کشور باید، بر پایه مقاومت در برابر امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع، به تشکیل پیمانی مرکب از همه نیروهای ملی دست یازید.

یکی از شرائط کلیدی پیروزی جنبش آزادی بخش ملی عرب را باید در تحکیم هم پیمانی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی جستجو کرد. چنانکه این شرایط تأمین شود جنبش آزادی بخش ملی عرب خواهد توانست بر دشواری‌های کنونی چیره گردد، مبارزات خود را علیه امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و تسلیم جوئی به سطحی بالاتر ارتقاء دهد و، از این راه کشورهای عرب را بسوی استقلال و پیشرفت اجتماعی راهگشا باشد، در برابر دسیسه‌های امپریالیسم پایداری کند، به رهائی مناطق اشغالی عرب دست یابد و حقوق ملی و قانونی خلق عرب فلسطین، از جمله حق بازگشت به میهن، تعیین سرنوشت خود و تشکیل دولتی مستقل در سرزمین خویش را، تأمین سازد. تعرض فزاینده امپریالیسم ایجاب می کند که احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب نقش بزرگتری در جنبش آزادی بخش ملی عرب ایفا نمایند، زیرا که این احزاب به منزله پیشاهنگ و نیروئی بس بانفوذ در این جنبش بشمار می آیند.

وضع منطقهٔ خلیج فارس و شبه جزیرهٔ عرب

امپریالیسم، بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، در دسیسه‌های خود علیه خلق های عرب و جنبش آزادیبخش ملی هرچه بیشتر برای منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب اهمیت قائل می شود. علت را باید در مقام منطقه در تولید و صدور نفت، وجود منابع هنگفت زیرزمینی نفت و آبراهه‌های ترابری نفت جستجو کرد. فزون براین، این منطقه از نظر اقتصادی و استراتژیک دارای اهمیت فراوان

←

است و ، در پرتو وخامت روزافزون بحران انرژی ودیگر بلیه‌های مزمن سیستم سرمایه داری جهانی تأثیرمیگذارد.

امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا ،تلاش می ورزد تا برمنطقه و آبراهه های آن تسلط یابد ،نظارت بر تحویل نفت را بدست گیرد ، باگسترش پیکار جنبش های ملی به رویا روئی بپردازد و به یاری رژیم ـ های ارتجاعی محلی بشتابد ،که تاکنون نتوانسته اند منافع محافل امپریالیستی را صد درصد تأمین کنند. امپر ـ یالیسم تلاش می ورزد تا تغییر تناسب نیروها را به زیان خود و سرسپردگان خویش، بویژه پس از پیروزی انقلاب مردم ایران ،تغییر دهد ،امپریالیسم ایالات متحده آمریکا بدین منظور، علاوه بر پایگاه خود دربحرین ، بر پایه" دکترین کارتر"، شبکه پایگاههای نظامی خود را در سلطان نشین عمان ،سومالی و مصر گسترش بخشید . این گام امنیت منطقه راتهدید می کند و هدف آن رژیم های مترقی یمن دموکراتیک ، اتیوپی و افغانستان است.

امپریالیسم ایالات متحده سیستم های جاسوسی "آواکس" خود را در عربستان سعودی و منطقه خلیج فارس استقرار داده ، سلاح های کشتار جمعی هنگفتی را ذخیره کرده ، به ایجاد " سپاه واکنش سریع" پرداخته، به مانورهای مشترک در خاک مصر دست زده ، هزاران کار ـ شناس و پرسنل نظامی به کشورهای منطقه خلیج فارس گسیل داشته ، با چندین کشور قرارداد همکاری و امتیاز نظامی بسته ، نیروهای دریائی خود را در سواحل منطقه متمرکزساخته و عملیات خود رابابریتانیاو فرانسه هماهنگی بخشیده و در مانورهای مشترک بااین دوکشورشرکت جسته است. این اقدامات تجاوزی است به آزادی ، استقلال و حاکمیت کشورهای ما ، به حق خلق های منطقه ، مبنی بر بهره برداری آزادانه ازمنابع و توان خود ، اقدامات نامبرده این خلق ها را از امکان پیشبرد خواست های دموکراتیک خود ، بدون بیم از پیگرد و سرکوب ، محروم می سازد و کشورهای ما را از پیگیری سیاستی صلح جویانه استقلال طلبانه و پاسخگوی نیازمندی های خلق هایمان باز می دارد .

امپریالیسم و جلادان آن مشاجرات ارضی و مرزی را میان کشورهای منطقه برافروخته اند ،که جنگ میان عراق و ایران نمونه" آنست.

این جنگ ،که ازسوی رژیم عراق و به تشویق وپشتیبانی امپریالیسم وکشورهای مرتجع آغاز شد ، به تشنجات منطقه می افزاید و بسود نقشه‌های امپریالیسم آمریکااست، کمجویای توجیه حضور نظامی خود در منطقه ، تضعیف خلق‌های آن و براندازی انقلاب ایران است. برنیروهای صلح جو است، که عملیات نظامی رامحکوم سازند و خواهان خاتمه نبرد ، خروج نیروهای عراقی از خاک ایران ، بازگشت بمرزهای پیش از مخاصمه و حل اختلافات میان دوکشور از راههای مسالمت آمیز بر پایه حسن همسایگی شوند .

امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی ایالات متحده آمریکا ، بزرگترین دشمن خلق‌های ماست. مقاومت در برابرهرگونه شکل حضور، بویژه حضور نظامی آن ، وظیفه بنیادی واولیه پیکار خلق های منطقه است و از نیروهای ملی ـ مترقی میطلبدکه قاطعانه علیه حضور نظامی ایالات متحده به پا خیزند و کارزار مبارزه برای خروج ناوگان ایالات متحده ودیگر نیروهای مسلح آنرا شدت بخشند .

عربستان سعودی نقش بس خطرناکی را در خلیج فارس و منطقه شبه جزیره عرب بعهده دارد ، رژیم این کشور با نیروهای آزادی بخش خاورمیانه و سراسر جهان سرستیزه دارد و در راه ایجاد پیمان های منطقه‌ای ، باشرکت وبه سرکردگی ایالات متحده آمریکا ،گام می نهد ـ امری که امنیت واستقلال کشورهای منطقه را به خطر می اندازد و مقابله ای باخواست ها و آرزوهای آزادی طلبانه خلق‌های منطقه محسوب می گردد .

عربستان سعودی از مذهب بعنوان سرپوشی برای مداخله آشکار در امور داخلی برخی ازکشورهای عرب استفاده می کند . برای نمونه، می‌توان از پشتیبانی آن از باندهای "اخوان المسلمین" در سوریه، یمن شمالی و افغانستان نام برد . عربستان سعودی از دشواریهای اقتصادی برخی کشورهای عرب دارای رژیم های ملی استفاده کرده است و به تقویت گرایش های راستگرایانه در این کشورها دست می یازد . رژیم این کشورهمواره به کارزار ضدکمونیستی و ضدشوروی دامن زده است.

رژیم عراق جنگ با ایران را شروع کرد . این رژیم در " جمهوری عربی یمن " به دخالت می‌پردازد، با " جبهه" دموکراتیک ملی " به ستیزه دست می زند ، درباره" کمک شوروی به انقلاب افغانستان دارای موضع‌گیری منفی است وهمکار و هم پیمان رژیم‌های عربستان سعودی و اردن است. اقدام عراق علیه رژیم ملی سوریه، مخالفت آن با " جبهه" ملی پایداری و رویاروئی "، محکوم ساختن منحصرا

> ■ انقلاب مردمی ایران و سرنگونی رژیم شاه موجب تغییر تناسب نیروها در منطقه بزیان امپریالیسم شده و به پیکار خلقها توان تازه‌ای بخشیده‌است.
>
> ■ پیکار باهمه اندیشه‌های تحمیلی امپریالیسم و ارتجاع، اپورتونیسم راست و "چپ"، شوونیسم ملی ، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی ، تروتسکیسم و مائوئیسم ، مهمترین وظایف ملی ـ دموکراتیک عمومی نیروهای جنبش آزادی بخش ملی در کشورهای خلیج فارس و شبه جزیره عرب است.

لفظی " کمپ دیوید " و تعطیل دفاتر برخی از سازمان ـ های فلسطینی رانیز باید در این جهت ارزیابی کرد .

فزون براین ، باید از رژیم خیانت کار سادات نامبرد که خود رابعنوان نیروی مدافع منافع امپریالیسم و رژیم ـ های ارتجاعی خلیج فارس و منطقه" شبه جزیره عرب شناسانده است. این واقعیت بویژه در تقویت هم پیمانی آن با ایالات متحده و اسرائیل بازتاب یافت، مصر به پایگاه عملیات " سپاه واکنش سریع" در خلیج فارس، علیه جنبش های آزادی بخش ملی در کشورهای عربی وآفریقائی بدل شده است. تعرض امپریالیسم و ارتجاع در منطقه ما اشکال گوناگونی دارد . این تعرض با درگیری جنگ عراق ـ ایران ، باپیروزی ریگان کامیدارتجاع رابرای تغییر تناسب نیروها بسوی خود زنده کرده است. باحمله به " جبهه دموکراتیک ملی " در " جمهوری عربی یمن " و خود ـ داری رژیم حاکم در " صنعا " برای نیل به توافق باآن ، باکوشش برای تعویق بازگشت به زندگی پارلمانی در کویت و با پیمان " امنیت جمعی " میان کشورهای منطقه خلیج فارس بسرکردگی عربستان سعودی شکل یافته است.

هدف از پیمان نامبرده آنست که هماهنگی بیشتری در زمینه فعالیت سازمانهای "امنیت" کشورهای خلیج ، مبادله اطلاعات و خیانت به میهن دوستان پدیدآید .

در گسترهٔ اقتصادی ، هدف امپریالیسم آنست که نظارت خود را برمناطقی ،که هنوز برآنهاسیادت ندارد و برای نظام سرمایه داری مهم هستند ، گسترش دهد. در این مناطق ، ازآنجا که هرچه بیشتر به جولانگاه نهاد ـ های اقتصادی سرمایه داری جهانی ، ازجمله شرکت های چندملیتی انحصارگر، تبدیل می شوند ، تحول سرمایه داری ناموزون برقرار می گردد .

سرشت تحریف یافته تحول سرمایه داری راهمچنین در افزایش چشمگیر بانکها و دیگر نهادهای مالی ، که در ـ آمد نفتی رابسوی بازارهای سرمایه داری سرازیرمی سازند، گسترش نفوذ بورژوازی کمپرادور انگل و الیگارشی مالی محلی می‌توان دید ، که پایه اجتماعی نفوذ وسلطه امپریا ـ لیسم را در منطقه ماتشکیل می دهند. ازاین عناصر برای پرکردن بازارمحلی ازکالاهای کشورهای سرمایه‌داری نگهداشت واپس ماندگی اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی و توسعه اقتصادی یکسویه" کشورهای منطقه ایجاد کارتنهادرگستره خدمات و جلب سرمایه برای انحصارهای سرمایه داری ، بصورت پروژه‌های مشترک استفاده می شود

امپریالیسم ایجاد اقتصاد ملی رشد یافته متعادل و مستقل را سد کرده است، درآمدهای نفت رامی بلعد و از آنها برای تقویت اقتصاد کشورهای امپریالیستی و تخفیف بحرانهای حادآن بهره می جوید و اجازه نمی دهد که کشورهای صادرکننده نفت قیمت های عادلانه خود را تعیین کنند و افزایش قدرت خرید واقعی را که از این راه بدست می‌آید ، بسود توسعه" اجتماعی ـ اقتصادی خویش بکاربندند. امپریالیسم ایالات متحده آمریکاو انحصارهای بین المللی نفت، همراه با رژیم های ارتجاعی منطقه ، خواهان آن هستند که نفت مورد نیاز خود را به قیمتی مناسب تضمین کنند، در میان کشورهای عضو" اوپک" تفرقه بیاندازند ، نتایج ملی کردن صنعت استخراج نفت را نادیده بگیرند و کشورهای منطقه را از پیشرفت در راه استقلال اقتصادی بازدارند.

علیرغم آنکه درچندین کشور منطقه امتیازات کمپانی ـ های نفتی خارجی لغو شده و تولید نفت در دست دولت است، در بیشتر آنها انحصارهای سرمایه داری نفتی هنوز کنترل خود را بر ترابری ، پالایش و بازاریابی فرآورده‌های نفتی و مدیریت این صنعت حفظ کرده‌اند.

از سوی دیگر سیاست خرید اسلحه در کشورهای امپریا ـ لیستی و انباشتن آنها به بهدررفتن درآمدهای هنگفت نفتی می انجامد ، که می‌توانست در راه توسعه اقتصادی کشور بکار رود.

همگام با برتری جوئی فزاینده امپریالیسم ایالات متحده و تمرکز حضور نظامی آن در منطقه خلیج فارس و بیاری رژیم های مرتجع، از دستاویز" خطرکمونیسم" و " تهدید شوروی" برای تعرض علیه نیروهای ملی منطقه‌وهر گونه تظاهراندیشه مترقی و دموکراتیک استفاده می شود. فزون براین باید از تخریب ایدئولوژیک و تفرقه اندازی ـ های مذهبی نام برد. همه دستگاه اطلاعاتی و بسیاری از ارگانهای مطبوعاتی نیز درخدمت این هدفها قرار میگیرند

در شرایط دشواری ، که ارتجاع بر تروریسم خود می افزاید و میهن دوستان دستگیر ، سرکوب، شکنجه و کشته می شوند، جنبش آزادی بخش ملی در منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب به پیکار خود باامپریالیسم و برتری جوئی و غارتگری آن علیه رژیمهای ارتجاعی ادامه می ـ دهد. خلق‌های ما در راه دستیابی به استقلال ملی وتحکیم آن ، دموکراسی و صلح و اتحاد مردم منطقه بر پایه‌ای دموکراتیک و ضدامپریالیستی می رزمند.

در منطقه ما رویاروئی میان امپریالیسم و ارتجاع محلی از یکسو، و نیروهای جنبش های آزادیبخش ملی خلقها ، از سوی دیگر، در رهائی از سیاست غارتگرانه امپریالیسم و سیادت آن برمنابع طبیعی ملی ، بویژه نفت، و پیکار علیه هرگونه حضور نظامی تجاوزکارانه بازتاب می یابد.

مهمترین وظیفه‌ای که نیروهای جنبش های آزادیبخش ملی در منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب ، در مرحله" تاریخی کنونی ، باآنها روبرو هستند ، عبارتست از تکمیل روندآزادی ملی و انقلاب ملی ـ دموکراتیک در شرایط خاص کشورهای گوناگون .

جنبش آزادی بخش ملی در منطقه ما بیانگرمنافع طیف گسترده نیروهای اجتماعی ـ طبقه" کارگر ، دهقانان ، روشنفکران مترقی و خرده بورژوازی ـ است، که بطورعینی از سرکوبگری امپریالیسم وارتجاع تحمیلی رنج می برند. در بسیاری از کشورها ، این قشرها همچنین بورژوازی ، یا لااقل بخشی ازآن را ،که باتولید داخلی در پیونداست دربرمی گیرند.

واقعیت های زیرین نمایانگر گسترش پیکارجنبش آزادی بخش ملی در منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب است:

ـ تحکیم رژیم مترقی در یمن دموکراتیک ، ژرفش دگرگونی ـ های سیاسی و اجتماعی ـ اقتصادی مترقی و توان‌یابی نقش راهبر" حزب سوسیالیست یمن " در حکومت و جامعه .

ـ انقلاب مردمی ایران و سرنگونی رژیم شاه، که به تغییر تناسب نیروها در منطقه ، بزیان امپریالیسم انجامیده و پیکار خلق‌ها راتوان نو بخشیده است، از سوی دیگر پیشرفت انقلاب ایران و دفاع ازآن ایجاب می کند ،که برای مردم ایران دموکراسی تضمین گردد ، نیروهای ضد امپریالیستی دست اتحاد به یکدیگر دهند ، مسئله ملی بر پایه‌ای دمکراتیک حل شود و دوستی با اتحاد شوروی تحکیم یابد. از این راه می‌توان بر پیامدهای منفی انقلاب و اشتباهات گذشته در ایران فائق آمد و دربرابر امپریالیسم پایداری کرد.

ـ گسترش جنبش و مبارزات خلقی علیه امپریالیسم ایالات متحده وارتجاع محلی. برای نمونه می‌توان از مبارزات مردمی در عربستان سعودی نام برد ، که در مناطق خاوری آن کشور واشغال مسلحانه مسجد مکه در نوامبر ۱۹۷۹ صورت گرفت. این مبارزات رژیم حاکم سلطنت مطلقه را بلرزه درآورد، پایگاه مخالفت توده‌ای را گسترش داد و مرحله" کیفی جدیدی راعلیه ارتجاع سعودی آغاز نهاد " حزب کمونیست عربستان سعودی "، همدوش بادیگر نیروهای ملی برای بسیج همه نیروها در راه سرنگونی رژیم خودکامه ای می رزمد که وابسته به امپریالیسم و انحصارات است. هدف ازاین نیروها همچنین برقراری حکومتی ملی ـ دموکراتیک و پاسخگوی منافع اکثریت مردم است.

ـ پیکارمردم بحرین ، به رهبری نیروهای میهن‌دوست وبه پیشاهنگی " جبهه" آزادی ملی بحرین "، در راه بر ـ اندازی پایگاه‌های نظامی ایالات متحده و استقلال کامل ، آفرینش اقتصاد ملی ناوابسته ، آزادی زندانیان سیاسی و بازگشت تبعیدشدگان ، آزادی‌های اجتماعی ، استقرار سیستم پارلمانی و تحقق خواستهای حیاتی توده‌ها .

بقیه در صفحه ۸

جنبش آزادی بخش...

بقیه از صفحه ۶

مبارزه نیروهای ملی ــ دموکراتیک کویت به پشتیبانی از آزادیهای دموکراتیک، در راه لغو قوانینی، که اینگونه آزادی‌ها را محدود می‌سازد، استقرار سیستم پارلمانی بر پایه‌ای دموکراتیک، پیشبرد خواستهای مردم و پیگیری سیاست اقتصاد ملی.

ــ تشدید مبارزه «جبهه» دموکراتیک ملی جمهوری عربی یمن» برای مقابله با نفوذ عربستان سعودی، احقاق خواست های دموکراتیک توده‌ها و وحدت دو بخش یمن این جبهه اکنون در معرض حملات دار و دسته «اخوان المسلمین» قرار دارد، که از پشتیبانی عربستان سعودی برخوردار می‌شوند و مقامات «صنعا» از تشکیل دولت ائتلاف با آن خودداری می‌ورزند.

ــ نتایج چشمگیر مبارزه نیروهای دموکراتیک عراق، به رهبری «حزب کمونیست عراق»، این نتایج از تشکیل جبهه ملی دموکراتیک میهنی حاصل شد، که هدف آن استقرار حکومتی ملی و تأمین خودمختاری راستین برای کردستان است.

ــ ادامه پیکار مردم عمان، زیر رهبری «جبهه آزادی بخش خلق عمان» برای آزادی، استقلال و برچیده شدن پایگاه‌های نظامی امپریالیستی.

پیشبرد مبارزه جنبش آزادی بخش ملی در منطقه ایجاب می‌کند که نیروهای اجتماعی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در راه تأمین وظایف بنیادی ملی ــ دموکراتیک در یک یک کشورها متحد شوند و در صفوف احزاب، سازمانها و نیرو ــ های این کشورها در چارچوب ائتلاف ملی، همبستگی پدید آید. شرط پیروزی در این امر آنست که شرکت ــ کنندگان در این ائتلاف، از جهت آرمانی و سازمانی، استقلال خویش را حفظ کنند.

احزاب کمونیستی و کارگری منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب باید، با توجه به ویژگی های احزاب مربوطه، در راه پایه گذاری چنین ائتلافهای ملی، مجدانه و پیگیرانه بکوشند.

هماهنگی اقدامات احزاب ما و همچنین نیروها و احزاب ملی منطقه به تشدید پیکار خلقها با امپریالیسم و ارتجاع کمک می‌رساند.

مبارزه خلق‌های منطقه ما و نیروهای آزادی‌بخش آنها از پشتیبانی و یاری همه جانبه و فزاینده بین المللی، از جمله از سوی کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، نیروهای دموکراتیک و جنبش آزادی بخش ملی جهانی برخوردار می‌شوند. «کنفرانس فوق العاده بین ــ المللی همبستگی با پیکار ضد امپریالیستی خلقهای خلیج فارس و شبه جزیره عرب»، که در اکتبر ۱۹۸۰ در قبرس برگزار گشت، این واقعیت را بثبوت می‌رساند.

وظایف ملی ـ دمکراتیک عمومی

مهم ترین وظایف ملی ــ دموکراتیک عمومی نیروهای جنبش آزادی بخش ملی در کشورهای خلیج فارس و شبه جزیره عرب عبارتست از:

۱ــ دستیابی به استقلال ملی و تحکیم آن در کشور ــ های منطقه، پیشرفت آنها در راه رشد مستقل، از طریق براندازی نفوذ امپریالیسم و برچیدن شبکه پایگاه های دریائی ــ هوائی آن در خاک این کشورها و نزدیک مرزهای آنها، باز پس گرفتن امتیازهای نظامی از امپریا ــ لیسم، اخراج سرویس های اطلاعاتی و مشاوران نظامی از منطقه، پایان بخشی به سیاست انباشتن جنگ افزارها، پایداری در برابر نقشه‌های امپریالیسم و ارتجاع درباره ایجاد بلوک های تجاوز کار، لغو قراردادها و پیمانهائی با قدرت های امپریالیستی، که استقلال کشور ــ های ما را محدود می‌سازد، و تضمین آزادی کشتیرانی بر پایه حقوق بین المللی و مقررات متداول.

۲ــ آزادیهای دموکراتیک برای خلق های منطقه، بویژه آزادی بیان، مطبوعات و اجتماعات، پایه گذاری احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی، آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت تبعید شدگان و پایان کارزار پیگرد، دستگیری، تروریسم و کشتار میهن دوستان.

۳ــ سیاست توسعه اقتصاد ملی، بدون وابستگی آن به بازار جهانی امپریالیسم، احداث صنایع در کشورهای منطقه، رشد همه جانبه اقتصاد آنها، برچیدن بساط انحصارهای امپریالیستی چند ملیتی، بانک‌ها و شرکتهای بیمه، بهره برداری از منابع طبیعی منطقه، از جمله در ــ آمد های نفتی و مالی، بسود مردم، اتخاذ سیاستی ملی در زمینه نفت، که پاسخگوی خواست های عمران ملی اقتصادی باشد، اجرای تدابیر اقتصادی قاطع در گستره نفت و وجوه مالی علیه ایالات متحده، دشمن اصلی خلقهای ما.

۴ــ اتخاذ سیاست خارجی استقلال طلبانه و صلح جویانه از سوی کشورهای منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب، بر پایه تأمین منافع خلق‌های آنها، عدم شرکت در توطئه‌ها و بلوک های امپریالیستی، برقراری مناسبات دیپلماتیک با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و گسترش همکاری با آنها.

۵ــ ژرفش مناسبات با جنبش های آزادی بخش ملی در کشورهای منطقه، هم پیوستگی با نیروهای انقلابی جهان، بویژه جامعه کشورهای سوسیالیستی و، در پیشا ــ پیش آنها، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ بدین منظور باید:

ــ به یاری همه جانبه رژیم مترقی یمن دموکراتیک شتافت، از کوشش های آن در راه نزدیکی دو بخش یمن پشتیبانی کرد و به برقراری مناسبات حسن همجواری میان کشورهای منطقه دست یازید،

ــ همبستگی خود را با نیروهای ملی دموکراتیک عراق بویژه «حزب کمونیست عراق»، که قربانی تروریسم و اختناق هستند ابراز داشت،

ــ دوش بدوش دیگر نیروهای آزادی بخش ملی کشور ــ های عرب در پیکار علیه امپریالیسم، اشغالگری صهیونیستی و تسلیم جوئی شرکت جست، در برابر قرار دادهای «کمپ دیوید» ایستادگی کرد، به پشتیبانی از «جبهه» ملی پایداری و رویاروئی» برخاست و از نفت و توان اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب برای مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم اشغالگر بهره گرفت،

ــ از پیکار خلق عرب فلسطین، زیر رهبری «سازمان آزادی بخش فلسطین» تنها نماینده قانونی آن و تأمین حقوق ملی این خلق، از جمله حق بازگشت به میهن خود، تعیین سرنوشت خویش و ایجاد کشوری مستقل در خاک وطن پشتیبانی کرد و از مبارزه نیروهای دموکراتیک، از جمله «حزب کمونیست اسرائیل»، علیه تجاوزکاری اسرائیل به هواداری پرداخت،

ــ از رژیم ملی سوریه و مبارزه آن با دسیسه‌های امپر ــ یالیسم و ارتجاع، که می‌کوشند تا از پایداری آن کشور بکاهند، حمایت کرد،

ــ پشتیبانی خود را از پیکار نیروهای ملی ــ میهن دوست لبنان به خاطر استقلال، وحدت و حفظ عربیت کشور، تکامل دموکراتیک آن و علیه اشغال مناطق مرزی لبنان از سوی اسرائیل ابراز داشت،

ــ همبستگی خود را با پیکار نیروهای میهن دوست و مترقی مصر علیه رژیم تسلیم جوئی و خیانت اعلام کرد،

ــ دوش بدوش خلق‌های منطقه اقیانوس هند، برای تبدیل این منطقه به منطقه امنیت و صلح و بری از پایگاه ــ های نظامی تجاوز، به مبارزه پرداخت،

ــ به هواداری از پیکار خلق های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین علیه امپریالیسم، واپس ماندگی، تبعیض نژادی و برای آزادی، استقلال و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی شتافت،

ــ از کوشش برای تحکیم تنش زدائی بین المللی و مبارزه با مسابقه تسلیحاتی، نقشه ایالات متحده مبنی بر استقرار موشک های هسته‌ای میان برد در اروپای باختری، استراتژی جدید جنگ اتمی محدود و در راه خلع سلاح، مقابله با خطر جنگ نابود ساز هسته‌ای، تقویت صلح جهانی و بازگشت ناپذیری روند تنش زدائی در گستره مناسبات بین المللی پشتیبانی کرد،

ــ حمایت خود را از هم پیمانی استراتژیک با دوستان راستین خلقهای مبارز با نیروهای صلح و سوسیالیسم، بویژه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ابراز داشت،

۶ــ پیکار با همه اندیشه‌های تحمیلی امپریالیسم و ارتجاع، اپورتونیسم راست و «چپ»، شوونیسم ملی، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، تروتسکیسم و مائوئیسم.

این همه موید وحدت و همپیوستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بر پایه مارکسیسم ــ لنینیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی با نیروهای عمده آن، یعنی حزب کمونیست اتحاد شوروی است.

(پایان)

سوریه بکمک کشورهای سوسیالیستی باید رشد اقتصادی خود را گسترش دهد

چند هفته پیش، در آستانه سالگرد انقلاب سوریه، اعلام شد که ساختمان ۷۵۸ کیلومتر راه آهن در سوریه به پایان رسیده است. بدین ترتیب طول خطوط راه آهن این کشور از ۱۲۶۲ کیلومتر در سال ۱۳۵۰ به ۲۳۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۶۰ رسید. پروژه نامبرده تنها یکی از بسیاری از نقشه ــ های صنعتی و عمرانی مهم بود که به افتخار سالگرد انقلاب، در اختیار مردم سوریه قرار داده شد.

از روی کار آمدن «حزب سوسیالیستی عرب بعث» در سوریه در ۱۷ اسفند ۱۳۴۱ (۸ مارس ۱۹۶۳) تاکنون، بویژه از آغاز «جنبش اصلاح»، دگرگونی های بنیادی در سراسر سوریه پدید آمده است. در دوران برنامه پنجساله چهارم، که چندی پیش پایان یافت، توان صنعتی سوریه به افزایش چشمگیری نایل شد. برای نمونه، پس از گشایش سدّ فرات و نیروگاه آن، که بیاری اتحاد شوروی ساخته شد، تولید انرژی در سوریه دو برابر گردید. این پروژه، نه تنها به توسعه صنعت و کشاورزی کمک فراوان خواهد رساند، بلکه هم اکنون ۱۶۰۰ ده را صاحب برق کرده است. بدین ترتیب، ۸۰٪ روستائیان سوریه از «نعمت» برق برخوردار شده‌اند. در همین دوران، ۱۷ کارخانه بزرگ پارچه بافی تأسیس یافت، شش کارخانه نساجی دیگر در دست ساختمان هستند. در حالیکه ده سال پیش در حدود یک پنجم محصول پنبه کشور در داخل تبدیل به پارچه می‌شد، اینک این پیکره به سه چهارم محصول سالیانه ۴۰۰ هزار تن رسیده است.

تولید سیمان از ۹۴۰ هزار تن در سال ۱۳۵۴ به ۳ میلیون تن در سال ۱۳۵۹ افزایش یافت. در همین سالها، تولید فسفات دو برابر شد. بزودی، روزانه ۲ هزار تن غله در سوریه تبدیل به آرد خواهد گردید.

ستون فقرات اقتصاد ملی سوریه بخش دولتی بشمار می‌رود، که ۷۰٪ ظرفیت تولیدی این کشور را تشکیل می‌دهد. یک سوم زحمتکشان سوریه در این بخش کار می‌ ــ کنند. ۶۵٪ فرآورده‌های ناویژه اجتماعی توسط آنها تولید می‌شود. فزون براین، در برنامه ریزی اقتصاد دولت سوریه بخش های مختلط و خصوصی هرچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در تدارکات کنونی برنامه پنج ساله جدید، تقویت بیشتر بخش دولتی و افزایش بارآوری کار از اولویت برخوردار است.

«حزب بعث سوریه» در «جبهه» ملی مترقی» همکاری می‌کند. بگفته حافظ اسد رئیس جمهور سوریه و صدر «حزب بعث سوریه»، که ریاست «جبهه» ملی مترقی» را نیز داراست، هدف مشترک جبهه نامبرده را «تضمین حرمت و امنیت اجتماعی شهرو ــ ندان و گسترش دموکراسی» توصیف نمود.

آخرین اقدامات دولت سوریه را در زمینه تقسیم عادلانه‌تر درآمد ملی، مبارزه با تورم و بهبود وضع زحمتکشان باید در این چارچوب ارزیابی کرد. از سوی دیگر، «جبهه ملی مترقی» مبارزه بی امانی را علیه ثروت اندوزی و احتکار محافل بورژوائی و دسیسه ــ های «اخوان المسلمین»، که زیر شعار «اسلام»، ولی با همکاری نزدیک با نیروهای امپریالیستی، به قتل و ترور دست می‌زنند، آغاز کرده است.

«جمهوری عربی سوریه» در مسئله خاور نزدیک پیگیرانه علیه توطئه «کمپ دیوید» می‌رزمد و خواستار حل عادلانه آن است. آزادی سرزمین‌های عرب، که چهارده سال پیش به اشغال اسرائیل درآمد، و استقرار حقوق خلق فلسطین در چارچوب کشوری مستقل در سرزمین خود، اصول بنیادی سیاست خارجی سوریه را تشکیل می‌دهند.

«جمهوری عربی سوریه» در پیکار برای حل مسائل پیشگفته از پشتیبانی دوستان خارجی خود برخوردار می‌شود. دوستی بی‌شائبه و موضع گیری های مشترک، سوریه را با کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای ترقی خواه هم پیمان و همپیوند ساخته است. همکاری فزاینده با کشورهای سوسیا ــ لیستی در گستره اقتصادی یکی از پی ستون‌های اقتصادی است. پیمان دوستی و همکاری، که چند ماه پیش میان سوریه و اتحاد شوروی بسته شد، نمونه بارز این همبستگی است.

تفسیر وقایع مهم جهان

بقیه از صفحه ۵

سادات - موجر مصر

همکاری سادات با اسرائیل و آمریکا روز بروز ابعاد گسترده تر می گیرد. لبه تیز این همکاری متوجه جنبش های انقلابی خلق‌های عرب و آفریقاست. سادات هنگام سفر هیگ به خاورمیانه موافقت کرد که تأسیسات نظامی راس بناس را در اختیار سپاه واکنش سریع آمریکا بگذارد. وی همچنین از آمریکا درخواست کرد که در نیروهای "پاسدار صلح" که پس از عقب نشینی اسرائیل در آوریل سال ۱۹۸۲ از صحرای سینا باید در این منطقه مستقر شوند، شرکت نماید. سپس کمال حسنعلی، وزیرامورخارجه مصر، توضیح داد که فرماندهی این نیروهای "پاسدار صلح" با یک مقام غیر نظامی آمریکائی خواهد بود. مایکل استرنر، معاون وزیرامورخارجه آمریکا، براین "توضیح" افزود که نیمی از این نیروها از سربازان آمریکائی تشکیل خواهد شد. و سادات این بیشرمی را داشت که بگوید: "ما تا چند ماه دیگر صحرای سینا را از اسرائیلیها پس می گیریم (و بدست آمریکائیها می دهیم) و دیگر بین ما و اسرائیل هیچ مسئله مورد اختلافی وجود نخواهد داشت".

آن چیزی که امپریالیسم آمریکا در دوران جمال عبد الناصر تصور آنرا نمی توانست بکند بدست خیانتکار سادات جامه عمل میپوشد. پایگاه آمریکائی و ارتش آمریکا در خاک مصر! و آیا در برابر چنین خیانتی آن سیل بنیان کن، که یاسر عرفات بدان اشاره می کند، به راه نخواهد افتاد؟

و از همه زشت تر آنکه سادات میخواهد خیانت آشکار خود را به خلق‌های عرب و انقلاب مصر با حمله به مبارزان و دولتمردان کشورهای عضو جبهه پایداری بپوشاند. سادات، که از آمریکا پول می گیرد، به آمریکا پایگاه می دهد، ارتش آمریکا را بخاک مصر دعوت می کند، حافظ اسد را دست نشانده مسکو می نامد، قذافی را به "دشمنی با آرمان عرب" و یاسر عرفات را به خیانت نسبت به خلق فلسطین" متهم می کند.

خیانتکاران واقعی چگونه در همه جا به یکدیگر شباهت دارند. ضیاء الحق که خود پاکستان را به تکیه گاه ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا مبدل ساخته است، همین حرف‌ها را درباره رهبران هند و افغانستان می زند.

پاکستان کانون تشنج در جنوب آسیا

نزدیکی روزافزون پاکستان به آمریکا و چین و واگذاری اراضی این کشور در اختیار سرویسهای جاسوسی و خرابکاری امپریالیستی برای اعمال فشار بر هندوستان و براندازی رژیم افغانستان، پاکستان را به کانون تشنج در جنوب آسیا و خلیج فارس مبدل ساخته است. پاکستان نقطه تلاقی سیاستهای ضد انقلابی و جنگ افروزانه چین و آمریکا در این منطقه از جهان است. همکاری بین ماجراجویان چینی و آمریکائی در پاکستان بهم گره می خورد. چین و آمریکا هردو به یک اندازه از سیاست مستقل هندوستان ناراضی هستند و پاکستان را وزنه‌ای بسود خودشان در برابر این سیاست می دانند. رژیم ضیاء الحق به دلیل سستی بنیان داخلی خود نیازمند به پشتیبانان خارجی است و این پشتیبانی را در سایه حمایت از سیاستهای ضد مردمی وضد انقلابی آمریکا و چین بدست می آورد. رادیوها خبر دادند که پاکستان ارتش خود را در مرز هند متمرکز کرده است و همزمان با آن هیئتی را برای مذاکره درباره تحویل سلاحهای آمریکائی به واشنگتن فرستاده است. دولت آمریکا موافقت کرده است که به پاکستان نیز مانند اسرائیل تعدادی هواپیمای اف - ۱۶ بدهد. کمک آمریکا، چین، عربستان سعودی و بازار مشترک اروپا به پاکستان نیز، چه مستقیما و چه به حساب "مبارزان" افغانی، گسترش مییابد جالب توجه است که بنا به اعتراف خود ناظران غربی "مبارزان" افغانی دیگر گرایش چندانی به خدمتگزاری نسبت به پردازندگان این پولهاشان نمی دهند.

رادیوی بی.بی.سی. دروغهای خود را می لیسد

پس از آن که انقلاب در افغانستان پیروز شد، رادیوی بی.بی.سی. از همان ابتدا یکی از دروغپردازان اصلی بر ضد رژیم انقلابی این کشور بود. این صدای شوم غارتگران انگلیسی، سخنگوی سلطنت‌طلبان، فئودالها و روحانیان مرتجع افغانستان شده بود و هر روز خبری درباره پیروزیهای "مبارزان" افغانی پخش می کرد گاهی دو سوم خاک افغانستان را زیر نظارت آنان قرار می داد و گاهی یک "لشکر روسی" را بدست "بیست چریک افغانی" نابود می کرد. و تمام این دروغها را نیز به مقصد معین برای شنونده ایرانی خود پخش می کرد. ولی اینک که پی برده است دیگر حنای آن در ایران رنگی ندارد و کم‌کم همه به این دروغها بی عقیده شده اند، دارد زمینه عقب نشینی را فراهم می کند و گفته یک خبرنگار انگلیسی را که با بی.بی.سی مصاحبه کرده است، چنین نقل می کند:

"قبل از رفتن به افغانستان، در نتیجه خواندن روزنامه‌های انگلیسی، انتظار داشتم که اوضاع را در کابل متشنج تر از آنچه بعدا دیدیم ببینم. اما چنین وضعی نبود. در کابل هیچ علامتی نیست که نشان دهد سربازان شوروی برای حفظ جان خود نگرانند، هرچند برخی گزارشها درباره حمله به سربازان شوروی به گوش می خورد، اما این وقایع بقدری پراکنده و گه گداری است، که فرماندهان نظامی شوروی هیچگونه اقدامات احتیاطی برای حفاظت از سربازان خود مقرر نداشته اند".

آن "وقایع پراکنده و گه گداری" نیز اگر تحریکات "سیا" و خیانت ضیاء الحق و همدستی ضد انقلابیون چینی نباشد، هرگز روی نخواهد داد. خلق افغانستان رژیم سلطنتی را واژگون نکرده است که بار دیگر طوق بندگی فئودالها و اربابان خارجی آنان را بپذیرد. وضع در افغانستان تثبیت می شود و بی.بی.سی مجبور است آهسته آهسته دکان دروغ پراکنی خود را تخته کند. ولی متأسفانه در میهن ما برخی هنوز دکه‌های ضد افغانی خود را جمع نکرده اند و کالاهای دست دوم و سوم امپریالیسم خبری را می فروشند. اما خریداران این کالاهای بنجل در کشور ما روزبروز کمتر می شوند. تردیدی نیست که همبستگی انقلابی بین خلقهای ایران و افغانستان در آینده‌ای نه چندان دور احیا خواهد شد.

دفاع از صلح و مبارزه بخاطر جلوگیری از جنگ جهانی هسته‌ای از وظایف مبرم همه خلقهای جهان است

امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در تلاشهای خود برای باز پس گرفتن مواضع نظامی و سیاسی و منافع اقتصادی ازدست رفته خویش در مناطق مختلف جهان، بشریت را به ورطه یک فاجعه هسته‌ای می کشاند. امپریالیسم آمریکا، که در برابر روند پرتوان انقلاب جهانی، که با پیروزی پی در پی خلقها در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی هر روز پر شتاب تر می شود، و در برابر تغییر روز افزون تناسب نیروها در عرصه جهانی خود را عاجز و ناتوان می بیند، به جنون هسته‌ای دچار گشته و می کوشد برای حفظ منافع آزمندانه خویش صلح و امنیت همه خلقهای جهان را با جنگ عالم گیر هسته‌ای تهدید کند.

تدارکات جنگی گسترده امپریالیسم آمریکا در مناطق مختلف جهان، ایجاد شبکه وسیع پایگاه‌های نظامی در خشکی و دریا، تشدید مسابقه تسلیحاتی، استقرار سلاحهای هسته‌ای و موشکی در کشورهای اروپای غربی عضو پیمان نظامی ناتو و تلاشهای پر تب و تاب در ایجاد کانونهای تشنج و درگیریهای مسلحانه در مناطق مختلف جهان، طرحهای توطئه‌ها و تجاوز نظامی علیه انقلابهای استقلال طلبانه و جنبشهای رهائی بخش تلاشهائی است که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در راه تحقق برنامه نظامی استراتژیکی جهانی خود انجام می دهد.

به موازات این تلاشها، هر روز از جانب دولت و نظامیان وزارت جنگ آمریکا آئین‌ها و طرحهای تازه به تازه‌ای از قبیل "حریم منافع آمریکا" در مناطق مختلف جهان "استراتژی جنگ هسته‌ای محدود" و نظائر آن تدوین می شود، تا بدینوسیله با گمراه ساختن و فریب افکار عمومی، فاجعه جنایت آمیزی را که امپریالیسم علیه بشریت تدارک می بیند، موجه و مجاز وانمود سازد.

بدین ترتیب تدارکات جنگی و تلاش‌های جنون آمیز امپریالیسم برای ایجاد یک درگیری هسته‌ای و موشکی بمقیاس جهانی سرنوشت، استقلال و آزادی و حتی موجودیت همه خلقهای جهان را مورد تهدید جدی قرار می دهد. بهمین علت است که هیچ دولت و رژیم سیاسی و اجتماعی و هیچ خلقی نمی تواند و نباید نسبت به این مسئله حیاتی بی تفاوت باشد.

پیروزی خلقها در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی، بهره برداری از دستاوردهای انقلابی خلقها و بازسازی زندگی اقتصادی و فرهنگی خلقها مستلزم تأمین صلح و امنیت و جوی عاری از تشنج و تهدید است. پس همه خلقها موظفند که دسیسه‌ها و توطئه‌های امپریالیسم را عقیم بگذارند، مسابقه تسلیحاتی را مهار کنند، روند تشنج زدائی را به همه مناطق جهانی تعمیم دهند و کانونهای آتش افروزی جنگ را خاموش سازند.

سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا هر روز با امواج تازه‌ای از خشم و اعتراض خلقها روبرو می شود. تظاهرات گسترده خلقهای اروپا به نشانه اعتراض علیه استقرار سلاحهای هسته‌ای در خاک کشورهای اروپای غربی سراسر اروپا را فراگرفته است.

راه پیمائی صلح، که به ابتکار شورای جهانی صلح از کپنهاک آغاز گردید، نمودار تازه‌ای از واکنش فعالانه و نیرومند خلقها در برابر سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا و عامل موثر و مهمی در بیداری و هشیاری همه خلقهای جهان در برابر تلاشهای امپریالیسم جهانی برای تحمیل جنگ جهانی هسته‌ای به بشریت است.

در اواخر ماه گذشته گروهی از مبارزان راه صلح که هسته اصلی آنانرا زنان نروژی تشکیل می دادند در کپنهاک گرد آمدند و راه پیمائی صلح خود را آغاز کردند. این راه‌پیمائی که زیر شعار "اروپا بی سلاح اتمی" انجام می شود، بمدت ۴۵ روز ادامه خواهد داشت و پس از گذشتن از کشورهای آلمان فدرال، هلند و بلژیک، به پاریس خواهد رسید. در ضمن راه گروه‌های انبوهی از هواداران صلح بهراه پیمایان می پیوندند. تاکنون شمار شرکت کنندگان در این راه پیمائی به دهها هزار نفر رسیده است. در سایر کشورهای اروپائی نیز تظاهرات اعتراض آمیز علیه سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا به اشکال گوناگون انجام می گیرد. توده‌های وسیع مردم اروپا و جهان بماهیت تبلیغات مزورانه امپریالیسم که تلاش دارد تدارکات جنگ هسته‌ای خود را با خطر موهوم شوروی توجیه کند، آگاه می شوند و از سوی دیگر به این واقعیت واقف می شوند که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مهمترین عامل موثر و نیرومند در مبارزه به خاطر حفظ صلح و عقیم گذاردن نقشه‌های جنگ افروزانه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند.

پیام شورای عالی اتحاد شوروی خطاب به تمام پارلمان‌ها و خلقهای جهان، که در اجلاسیه اخیر شورای عالی اتحاد شوروی بتصویب رسید، نمونه‌ای از کوششهای خستگی ناپذیر و قاطعانه اتحاد شوروی در مبارزه بخاطر حفظ صلح جهانی و رهائی بشریت از خطر یک فاجعه هسته‌ای غافلگیر است، که محافل امپریالیستی در تدارک آنند در این پیام خطاب به همه پارلمان‌ها و خلق‌های کشورهای مختلف جهان گفته می‌شود:

"در این شرایط پاسداری از صلح جهانی، بالاترین وظیفه هر انسان شرافتمندی است. رهبران اتحاد شوروی بارها بر این مطلب تأکید کرده اند که سیاست صلح جویانه اتحاد شوروی ناشی از درک مسئولیت در برابر جامعه بشری است، زیرا جنگ هسته‌ای می تواند حتی امکان ادامه حیات را در بخش بزرگی از کره زمین از میان بردارد".

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در تدارکات جنگی خویش علیه بشریت بیش از همه تلاش دارد به برتری نظامی بر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی دست یابد. و از این راه با تهدید اتحاد شوروی به جنگ هسته‌ای آنرا از حمایت و پشتیبانی از جنبشهای رهائی بخش و انقلابهای استقلال طلبانه در مناطق مختلف جهان منصرف کند و بدینوسیله راه را

بقیه در صفحه ۱۰

در جلسات علنی هفتهٔ گذشته مجلس شورای اسلامی:

نمایندگان خواستار مبارزهٔ قاطع با فئودال‌ها و سرمایه‌داران شدند

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی برای یك سال دیگر به ریاست و حجت‌الاسلام خوئینی‌ها بعنوان نایب رئیس اول مجلس انتخاب شدند.

مجلس شورای اسلامی ایران درهفتهٔ گذشته پنج جلسه علنی داشت. در این جلسات درباره لایحه بودجه سال ۶۰ بحث و بررسی بعمل آمد و این لایحه با اصلاحات وافزودن چند تبصره به تصویب نهائی رسید درهفته گذشته همچنین انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی برای سال دوم دوره اول مجلس بعمل آمد و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با ۱۴۰ رای بار دیگر به ریاست مجلس انتخاب شد.

دربحث پیرامون بودجه بیشتر سخنرانان بر لزوم افزایش مالیات برد رآمد بخش خصوصی واتخاذ تصمیمات انقلابی به نفع مستضعفان تأکید داشتند. همچنین چندتن از نمایندگان خواستار ملی کردن هر چه سریعتر تجارت خارجی شدند.

درجلسه علنی روز شنبه ۲۰ تیرماه سال ۶۰، بحث درباره بودجه سال جاری ادامه یافت. دراین جلسه نمایندگان در مخالفت و موافقت بااین لایحه قانونی سخن گفتند.

فؤاد کریمی نمایندهٔ اهواز، درمخالفت بالایحهٔ بودجه سخن گفت و ازجمله به مسأله تورم و افزایش آن اشاره و خاطرنشان کرد که این لایحه "نمی‌تواند کوه تورم را به نفع مستضعفان مهار کند".

وی آنگاه بااشاره به بودجه وزارت نفت گفت:

"وزارت نفت هنوز دست نزیه واقبال و عناصر آنهاست".

ناطق درادامه سخنان خود اسامی یکایك افراد وابسته به نزیه و اقبال و همچنین سابقه آنها در دوران طاغوت و شغل فعلی آنها را در وزارت نفت افشا کرد.

اخذ مالیات از بخش خصوصی

دراین جلسه همچنین محمدعلی هادی درمورد منابع اعتباری این بودجه یادآور شد که باید بجای استفاده ازدرآمد نفت، به سوی اخذ مالیات از بخش خصوصی پیش برویم.

درجلسه دیگرعلنی مجلس که روزیکشنبه ۲۱ تیرماه تشکیل شد، نمایندگان ضمن بحث درباره لایحه بودجه، خواستار اخذ مالیات، بویژه از بخش خصوصی، بعنوان یکی ازمنابع درآمد دولت شدند. همچنین نمایندگان از دولت خواستند که از هم اکنون به فکرتهیه برنامه و بودجه سال ۶۱ باشد.

دراین جلسه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، طی سخنانی، ترور مولوی جلال زاده، یکی از روحانیون اهل تسنن کردستان توسط ضد انقلاب را محکوم کرد.

آنگاه بحث درباره کلیات بودجه ادامه یافت. عبدخدائی، یکی ازمخالفین لایحهٔ بودجه، ضمن ابراز تأسف ازاینکه "سیستم مالیاتی مااصلاح نشده و برسبك نظام طاغوتی و نظام غربی است"، تأکید کرد که سیستم اقتصادی ومالیاتی غربی در خدمت یغماگران واستثمارگران است. وی همچنین گفت:

"برنامه‌های عمرانی ماباید درراه خدمت به طبقهٔ مستضعف و برای تولید هرچه بیشتر باشد، نه اینکه در راه رفاه مستکبران و مصرف هرچه زیادتر دربرنامه‌های دولت".

باید تکلیف مالکیت روشن شود

محمدکاظم موسوی بجنوردی درتوجیه مخالفتش بالایحهٔ بودجه گفت:

"مخالفت من ازاین زاویه است که از ابتدای انقلاب تاکنون اقدامی برای تغییر اساسی سیستم بودجه بندی نشده است".

وی همچنین برلزوم برنامه ریزی تولید و پی ریزی صنایع جهت حرکت بسوی استقلال تأکید کرد.

وی همچنین گفت: "لازم است که نظام حاکم اقتصادی را از بن و اساس تغییر دهیم. اگر ماب‌خواهیم از وابستگی برهیم، باید تکلیف مالکیت را مشخص کنیم".

تأخیر در ملی کردن تجارت خارجی خلاف شرع و قانون است

حجت الاسلام خلخالی ازنمایندگان موافق لایحه بودجه بود. وی دربخشی از سخنانش، ضمن اشاره به اینکه احتکار و گرانی راهمین تجارطاغوتی، که مورد حمایت بنی‌صدر هم بودند "بر" طبقهٔ مستضعف و محروم این جمعیت تحمیل کردند"، گفت:

"ماباید دولت را یاری کنیم تابتواند تجارت خارجی راطبق قانون‌اساسی ملی کند ودست چپاولگران را ازبیت المال کوتاه کند".

حجت الاسلام خلخالی تأکید کرد:

"هردقیقه تأخیردراین کاردرواقع تأخیر دراجرای قانون اساسی و خلاف شرع و قانون است".

وی همچنین لزوم پیشبرد و توسعهٔ کارخانه‌های تراکتورسازی و ماشین سازی و ایجادصنایع اسلحه سازی را یادآور شد.

حجت الاسلام خلخالی دربخش دیگری ازسخنانش بااشاره بمسأله حذف ربا گفت:

"تادست فئودالها و رباخواران وزمین‌خواران و محتکران ازمیان این ملت قطع نشود، نمی‌شود ربارا ازمیان برداشت".

وی ضمن اشاره به لزوم اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی خواستار قطع دست "سرمایه داران بی ایمان" و محاکمه آنها و نابودی فئودالها و محتکران شد.

حجت الاسلام خلخالی درپایان سخنانش بر لزوم تصویب هرچه سریعتر لوایح انقلابی درمجلس "برای کوتاه کردن دست چپاولگران ازبیت المال مردم" تأکید کرد.

پس ازسخنان موافقان و مخالفان، مهندس موسی خیر وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه توضیحاتی درمورد سخنان ناطقین داد وابراز امیدواری کرد که دولت بتواند "به محض تصویب بودجهٔ ۶۰، سیستم برنامه ریزی برای بودجهٔ ۶۱ را" آغاز کند.

درجلسه علنی روز دوشنبه ۲۲ تیر ماه، پس از تصویب کلیات لایحه بودجه سال ۶۰ نمایندگان به بحث درمورد جزئیات لایحهٔ پرداختند. ابتدا احمد عطاری مخبرکمیسیون برنامه و بودجه و سپس مهندس موسی خیر، وزیرمشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، درباره سخنان نمایندگان موافق و مخالف توضیح دادند.

آنگاه درمورد کلیات لایحه بودجه رای گیری بعمل آمد و با ۱۳۰ رای موافق بتصویب رسید. سپس نمایندگان به بحث در مورد جزئیات لایحه پرداختند.

درجلسه علنی روز سه شنبه ۲۳ تیرماه نیز بحث درباره جزئیات این لایحه ادامه یافت.

درجلسه علنی در چهارشنبه ۲۴ تیر ماه لایحه بودجه سال ۶۰ بتصویب نهائی رسید. این لایحه، که مشتمل بر یك مادهٔ واحده و ۶۶ تبصره است، با ۱۲۹ رای موافق بتصویب رسید.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ابراز امیدواری کرد که بودجه سال آینده کاملتر و "اسلامی" و "انقلابی" و در "جهت خودکفائی" باشد. دراین جلسه همچنین انتخابات هیأت رئیسه مجلس برای سال دوم دورهٔ اول مجلس شورای اسلامی انجام گرفت. بر اساس این انتخابات، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با ۱۴۰ رای موافق و ۲۷ رای ممتنع، باردیگر به ریاست مجلس انتخاب شد. همچنین حجت الاسلام موسوی خوئینی ها با ۱۲۰ رای بعنوان نایب رئیس اول و عسگراولادی با ۱۰۰ رای بعنوان نایب رئیس دوم انتخاب شدند.

همچنین کتیرائی، ولایتی و یارمحمدی باردیگربرای کارپردازی مجلس انتخاب شدند.

حجت الاسلام بیات، الویری، سبحان اللهی، توکلی، مهاجرانی و قائمی نیز به عنوان منشیان مجلس انتخاب شدند.

☆ ☆ ☆

انتخاب مجدد حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رابه ریاست مجلس شورای اسلامی صمیمانه تبریك می‌گوئیم.

مردم افغانستان مرعوب تروریسم عوامل آمریکا نخواهند شد

رادیوکابل اعلام کرد، که فتی محمد، یکی ازاعضای هیئت اجرائی "جبههٔ" ملی‌ـ میهنی افغانستان به قتل رسید. این رادیو "سیا" و عوامل صهیونیستی رامسئول قتل این شخصیت سرشناس خواند و افزود که چنین اقدامات تروریستی مردم افغانستان رامرعوب نخواهد کرد.

به گزارش یك هفته نامهٔ آمریکائی، ریگان دستور گسترش عملیات جاسوسی را علیه افغانستان صادر کرده است. این هفته نامه یادآور می‌شود که، علاوه بر "واشنگتن" چین، مصر و عربستان سعودی نیز دراین عملیات شرکت دارند.

آندره گرومیکو، وزیرخارجه اتحاد شوروی، پیشنهاد اخیر برخی ازکشورهای غربی رامبنی بر فراخواندن کنفرانسی بین المللی دربارهٔ افغانستان "غیرواقع بینانه وغیر قابل قبول" خواند.

آندره گرومیکو، درملاقاتی باسفیرافغانستان، درمسکو گفت:

"این پیشنهاد به حل سیاسی مسئله افغانستان کمك نخواهد کرد، زیرا که منظور ازآن "حل" مسئلهٔ افغانستان بدون دولت افغانستان است".

روز سه شنبه، ۲۳ تیر ۶۰، "پراودا" ازغرب بخاطر سیاست آن دربارهٔ افغانستان انتقاد کرد.

بنوشته این روزنامه:

"گروه‌های متنفذ درکشورهای "ناتو" میل دارند وجود افغانستان نوین رانادیده بگیرند. امااین تصوراحمقانه است که بتوان درباره مسئله آسیای جنوب باختری بدون افغانستان ودرغیاب دولت مستقل آن به توافق رسید.

"پراودا" تأکید می‌کند:

"راه حل سیاسی راستین تنها هنگامی ممکن است، که به واقعیات سیاسی بدون هیچ گونه پیشداوری توجه شود. چنین روشی می‌تواند تشنج را دراین منطقه ودیگرنقاط بسی کاهش دهد".

دفاع ازصلح ...

بقیه ازصفحهٔ ۹

برای تحمیل سلطه سیاسی واقتصادی و نظامی خود برخلقها هموار سازد. اما این تلاش امپریالیسم، تلاشی است عبث، کوشش‌های نافرجام دول امپریالیستی درده‌های ۶۰ و ۷۰ گواه این‌واقعیت است. چنان که امپریالیسم آمریکاو دول امپریالیستی متحد آن نتوانستند دراین دو دهه بر اتحاد شوروی به برتری نظامی دست یابند، در دهه ۸۰، که اقتصاد شکوفای اتحاد شوروی ودیگرکشورهای سوسیالیستی، به کامیابی‌های تازه‌ای نائل خواهدآمد و توان اقتصادی و نظامی آنان افزایش خواهد یافت، بطریق اولی نخواهند توانست به این برتری نظامی دست یابند.

بدین ترتیب روند تغییرتناسب نیروهای جهانی درعرصه نظامی نیز همچنان بزیان امپریالیسم و بنفع نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب و صلح جو بطور بازگشت‌ناپذیر به پیش می‌رود.

هواداران صلح، استقلال و آزادی و همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیستی و همهٔ خلقهای جهان با اتحاد و تشریك مساعی درمبارزه بخاطرحفظ صلح و با برخورداری از پشتیبانی موثر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی می‌توانند سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا راعقیم گذارند و بشریت را از وقوع جنگ هسته‌ای عالمگیر رهائی بخشند.

احزاب و ...

بقیه ازصفحهٔ ۳

جمهوری و متواری شدن نامبرده و پیوستن آشکار وی به ضد انقلاب بسیارلازم وضروری است که در انتخابات مجدد ریاست جمهوری فردی را برگزینیم که انقلاب و کشور را به سوئی نکشاند که رئیس جمهور مخلوع می‌خواست بکشد.

کمیتهٔ مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درمیان کاندیداهائی که صلاحیت آنان توسط شورای نگهبان قانون اساسی تأیید شده است، به آقای محمدعلی رجائی رای می‌دهد و ازعموم مردم زحمتکش و میهن دوست نیز دعوت می‌نماید که فعالانه درانتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و به آقای محمدعلی رجائی رأی بدهند".

در اتحاد عملی و...

بقیه از صفحه ۱

به نحوی که اکثریت کنونی مجلس تثبیت و تحکیم شود و مرحله تازه گسترش و ژرفائی انقلاب در راستای تأمین استقلال همه‌جانبه کشور، رعایت عملی حقوق و آزادیهای فردی واجتماعی، و پایه ریزی یك نظام اقتصادی مبتنی بر عدل و برابری با قدمهای سنجیده و استوارطی گردد. واین جز با شرکت توده‌های میلیونی زحمتکشان در انتخابات و رأی مثبت شان به نامزدهای انقلابی پیرو خط امام صورت پذیر نیست. وهمین است که به رأی‌گیری دوم مرداد اهمیتی چنین پر دامنه می بخشد. انبوه مردم زحمتکش کنهال انقلاب را با خون خود و فرزندان خود آبیاری کرده‌اند و در لحظات بحرانی چندی که تاکنون برانقلاب گذشته است همواره با حضور فعال خود گره گشای هرمشکلی بوده‌اند و هم اکنون نیز در جبهه‌های جنگ و در پشت جبهه با دشمنان رنگارنگ انقلاب در نبرد ند، با رأئی که در صندوقها خواهند ریخت، چهره انقلاب و سرنوشت خود را رقم خواهند زد. پس از دو سال و نیم، دستگاه حکومت برخاسته از انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران قادر خواهد بود که، باتکیه بر نیروی عظیم توده‌ها، در رهماهنگی نهادها و یگانگی هدف‌ها کار کند تا برای نخستین بار در تاریخ ایران، وامی که جامعه ما، هم از لحاظ بازیافت حقوق غصب شده اقتصادی واجتماعی و هم از بابت سهمی در رهبری کشور به تناسب اهمیت عددی و کارآیی تولیدی و فرهنگی، به توده مستضعف به گردن دارد ادا شود. آنگاه است کمی توان از امکان رهائی مستضعفان از بیداد و ستم استکبار سخن گفت. آنگاه است که وعده قرآنی درباره مستضعفان خواهد توانست به تحقق پیوندد. ازاین رو، انتخاب رئیس جمهور وانتخابات میان دوره‌ای مجلس را باید در روشنائی این هدف والا و پیکار سختی که در پیرامون آن جریان دارد و همه توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب نموداری از آن است درنظرگرفت.

باز از همین رو توده‌های زحمتکش و محروم وهمه نیروهای راستین انقلابی باید در اتحاد عملی و پیکارجویانه خود در انتخابات دوم مرداد شرکت جویند و به نیت دوام پیروزی انقلاب و استقرار حکومت عدل و برابری و آزادی در ایرانی مستقل و پیشرفته ونیرومند به آبدیده ترین، کارآمدترین و درست پیمان ترین نامزد انقلابی رأی بدهند.

درحالی که دشمنان انقلاب باانواع ترفندها، دروغ پراکنی ها و حادثه‌آفرینی‌ها می کوشند تاروحیه‌های متزلزل راازانقلاب روی گردان کنند، میان نیروهای انقلابی تخم بدگمانی بیفشانند و تاجائی که بتوانند در صف متحد انقلاب زیر پرچم امام بزرگوار خمینی شکاف بیندازند، هرگونه غفلت در بسیج رأی‌دهندگان و هرگونه تشتت در آراء تنها به تضعیف موقعیت کل انقلاب خواهد انجامید. بویژه در انتخاب رئیس جمهوری باید بیشترین حجم آراء پیرامون یك تن – که شایستگی اش از هرحیث مورد تأیید باشد – متمرکز گردد تاافسون یازده میلیون رأی انتخابات گذشته یك بار برای همیشه باطل شود.

البته این بدان معنی نیست که اتحاد نیروهای راستین انقلابی تنها یك ضرورت گذرای انتخاباتی است. برعکس، گستردگی و حجم عظیم وظایفی که انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران در پیش دارد چنین اتحادی را تا سالهای دراز ضروری می سازد. آن کس که باعنوان ریاست جمهور تا چند روز دیگر در رأس قوه اجرائیه قرارمی گیرد باید این نکته را دریافته باشد و از سر صدق بدان عمل کند تابتواند گفتار و کردار خود را رشته پیوند نیروهای متحد انقلابی گرداند و همه را در راستای واحدی به سود پیشرفت انقلاب رهائی بخش مستضعفان به حرکت درآورد.

در موقعیت کنونی، باآن که هرچهار نامزد انتخابات ریاست جمهوری از نظر سابقه مبارزه انقلابی و وفاداری به خط ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی امام خمینی ازحسن شهرت برخوردارند و مورد تأیید شورای نگهبان می باشند، چون تقریبا همه سازمانها، نهادها و نیروهای پیرو خط امام باشناختی که دراین دوسال و نیم انقلاب از عملکرد و منش آقای محمد علی رجائی داشته‌اند ایشان رابرای ریاست جمهوری اسلامی ایران نامزد کرده‌اند وچنین اجماعی می تواند تضمینی شمرده شود، "اتحاد دموکراتیك مردم ایران" نیز از نامزدی ایشان پشتیبانی می کند و از همه هواداران خود می خواهد که همراه دیگر نیروهای انقلابی طرفدار خط امام بهایشان رأی دهند و از این انتخابات تخته پرشی به سوی پیروزی‌های آینده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بسازند.

حجت الاسلام ری شهری...

بقیه ازصفحه ۱

روحانی نمایان هم کمك گرفته است. چنان که حجت الاسلام ری شهری گفته است:

"دیگر از مسائلی که قبلا نمی شد طرح بکنیم، در رابطه با یك عده از روحانی نماهاست، که آن دفعه هم اشاره کردم ولیکن متأسفانه هنوز الان هم نمی توانیم این مساله رامطرح کنیم.

پنج نفر از روحانیون بزرگ هستند که در این مورد دست داشتند، که یکی از آنها رامی توان اسم برد، همین آقای زنجانی است، که معمولا به اوآیت اله زنجانی می گویند. باجبهه ملی است. چهار نفر دیگر رافعلا نمی شود گفت... این روحانیون از تهران، ازقم ومشهد هستند."

این سخنان حجت الاسلام ری شهری بار دیگرنشان می دهد که مرز دوستان و دشمنان انقلاب از کجا می گذرد. این سخنان بیانگراین واقعیت است که "اسلام آمریکائی" خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است و اگر درخارج سادات ها، نمیری‌ها و ضیاءالحق‌ها علیه انقلاب ایران توطئه می کنند، درداخل هم "پنج نفرازروحانیون بزرگ" درکودتای آمریکائی برای سرنگونی انقلاب دست دارند. انتظار مردم ایران این است مقامات مسئول نام این روحانی نمایان را افشا کنند و اجازه ندهند که آنها، که مسلما درحال حاضر هم درکار اجرای نقشه‌های دیگردشمن هستند بتوانند زیر نقاب اسلام پنهان شوند.

حجت الاسلام ری شهری درسخنان خود همچنین گفت: "مدارکی در دست هست که یك عده‌ای از مشاورین‌واطرافیان آقای بنی‌صدر خودشان هم درکودتای اول دست داشتند و هم درجریانات اخیر که اخیرا دستگیر شدند و تحت بازجوئی هستند.

ایشان (رکنی – از سران کودتا) می‌گوید بنا بود که همان نزدیکان آقای بنی صدر درجریان همان‌کودتای ۱۸ تیر ۵۹ آقای بنی‌صدر را بکشند. و بعد مسأله‌کم‌کم تغییر کرد تابجائی رسید که بهترین‌کادرهای کودتا از آقای بنی‌صدر حفاظت بکنند، که این خودش یك مسأله‌ای است."

این سخنان رئیس دادگاه های انقلاب ارتش نیز بار دیگرتأکید می کند که با عزل بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری چه خطر بزرگی از سر راه انقلاب ایران کنارزده شده است.

ضد انقلاب سازمان...

بقیه در صفحه ۱

تجربه دوسال و نیمه گذشته نشان‌می‌دهد که هرگاه انقلاب، یورش به شناخته‌ترین دشمنان مردم ایران: ساواکی ها، گروهك های آمریکائی، کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان را آغاز کرده و لانه‌های توطئه آنها را درهم کوبیده، از شدت توطئه‌ها کاسته شده و آرامش نسبی برقرارگردیده است. اما هربار که کاردرنیمه راه متوقف مانده و یارهاشده است (ساواکی ها – تنها ... ۱ نفر درتابستان سال‌گذشته – آزادشده‌اند، برخی کودتاچیان نوژه به کاربازگردانده شده‌اند، معروف ترین چهره‌های ضدانقلاب و آشناترین لیبرالها به حال خود واگذاشته شده‌اند وکلان‌سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان همچنان بغارت ادامه داده اند) باردیگر ضدانقلاب فرصت سازمان دهی و تشکل پیداکرده و سبعانه تر ازپیش یورش را آغاز کرده است

این وضع به گمان ما ریشه در عدم شناخت واقعی ضدانقلاب دارد. تجربه همه انقلاب های جهان و از جمله تجربه دوسال و نیمی که از انقلاب ایران گذشته، نشان می دهد که "مغز" ضدانقلاب و "موتور" آن را باید در طبقات و اقشار ضدانقلابی، که از لحاظ سیاسی سرنگون شده، اما از نظر اقتصادی – بعنوان یك طبقه – همچنان استوارند، جست وجو کرد. کلان سرمایه داران، بزرگ‌مالکان اقشار مرفه و کارگزاران رژیم گذشته، اعم از گریخته و مانده، آن‌زمین اصلی هستند که همه علف هرز ضدانقلاب از خاك آلوده آن می روید. این مرکز اصلی ضدانقلاب داخلی که همیشه از نیروهای چپ نما یاری‌می گیرد و از دهه ۶۰ به بعد همکاری جدی چون مائوئیست ها یافته، برحسب ماهیت درونی خود بامرکز ضدانقلاب جهانی – امپریالیسم آمریکا – درارتباط مستقیم است. و این دو مرکز سازمانی راایجاد می کنند که طراحان عملیاتش در "سیا"، "موساد" و "اینتلیجنس سرویس" نشسته‌اند هزینه عملیات را هم غارتگران ثروت ودست‌رنج مردم، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، اعم ازفراری یا مانده، می پردازند. این سازمان لعنتی هم بطور مستقیم از نیروهای واقعی خود، یعنی ساواکی ها و عناصر سر سپرده رژیم گذشته و مائوئیست ها و هم بطور غیرمستقیم از جوانان فریب خورده چپ رو سود می برد، تا بهاهداف شیطانی خود برسد. دراین‌میان به نقش ضدانقلابی رهبران سازمان‌هائی مانند مجاهدین خلق، که درپی سوداهای خام خود سرانجام با امپریالیسم و ضدانقلاب هم پیمان می شوند، کم بهانباید داد.

ضدانقلاب سازمان یافته – که هسته اصلی آن همان ساواك سازمان یافته به رهبری "سیا" است – باتمام نیروبه فعالیت مشغول است. نیازی به ذکر شیوه این فعالیت ها نیست. در دوسال و نیم گذشته صدها و صدها نمونه ازاین‌توطئه‌های شوم را از سر گذرانده‌ایم. هنگام ترور شخصیت ها، وقتی بمب ها کارگذاشته می شود، آنگاه که آشوب های خیابانی بر پا می‌گردد و... همیشه و همیشه طراحان اصلی توطئه از نظرهاغایبند و تنهامجریان نقشه‌های شیطانی دشمن درانظارظاهر می شوند. اینجاست که باید هشیار بود و مجریان نقشه‌های ضدانقلاب را البته باید سرکوب کرد، ولی باید دانست تاریشه ضدانقلاب کنده نشود، کارانقلاب به سرانجام نمی رسد.

لذا اکنون وقت آن است که انقلاب از این‌همه توطئه، جنایت و حادثه شوم پند بگیرد و به نابودی مراکز ضدانقلاب و پایگاه‌های داخلی آن همت گمارد.

برای رسیدن به این هدف از یك سو باید تمام ساواکیهای سرشناس را، که آزاد شده‌اند، دوباره دستگیر کرد، اسامی تمامی ساواکیها را توسط رسانه‌های گروهی دراختیار مردم گذاشت، تمام ساواکیها و عناصر مشکوك – مانند رنجبری‌ها – را، که باقیافه مسلمان نمائی در ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلابی نفوذ کرده‌اند پاکسازی‌کرد. از سوی دیگر بایداهرم های قدرت اقتصادی و مالی را از کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، ازجمله، بااجرای اصل ٤٤ قانون اساسی درمورد ملی کردن بازرگانی خارجی و مصوبه شورای انقلاب درباره اصلاحات ارضی، گرفت. این هردو کار، که همزمان بایدانجام گیرد، امکان خواهد داد که ریشه ضدانقلاب خشك شود.

کارنامه ابوالحسن...

بقیه ازصفحه ٤

دائمی برنامه ریزی می شد. بی جهت نبود که خسرو قشقائی بدستور بنی صدر آزاد شد (۱۸ خرداد ۵۹ – کیهان). وابستگان رنگارنگ آمریکا و عمال ساواك، ازابوالفضل قاسمی گرفته تامتین دفتری، بدست او تطهیر شدند.

وسپهسالار ۳ یران بدین ترتیب شکل گرفت. واین برهیچکس پوشیده نبود، بویژه برآمریکائی ها، که علف های هرز را خوب می شناسند، برای آنهاشرایط مساعد بوجود می آورند، بابنی‌صدرها از درگفتگو وارد می شوند، با ماهی هزار دلار علا او را استخدام می کنند و با توجه به اینکه او "... روزنامه‌اش را به این منظور ایجاد کرده که از آن بعنوان پایگاه قدرتی دائمی برنامه ریزی می شد. بی جهت نبود جهت مقاصد سیاسی آینده‌اش استفاده نماید..." (سند شماره ۱۱ مربوط به ارتباط بنی‌صدر باعمال آمریکا) برای روزنامه انقلاب اسلامی، بازار سیاه بوجود می آورند.

و سرانجام باید انصاف داد که یکی از پیش بینی های بنی‌صدر – منتهی درباره خودش – درست درآمد:

"یکی از صفت های ممتاز این جنابان تك روهای آدمی مسلك، وسوسه پذیری است. زمینه‌زیادی دارند که باآن به (ایشان) وسوسه القاء کنی و ایشان زود بپذیرند و بگویند صحیح است... تك روهای آدمی مسلك اگر دچار شکست شوند، نمی آیند درمیان بگذارند، تا احیانا شك شان رفع شود... پس بدانید بااینگونه افراد و گروههای شیطان منش تك رو قاطعیت انقلابی لازم است..." (مجله جوانان – ۲۲ تیر ۶۰ – مقاله نفاق درقرآن به قلم بنی‌صدر)

وقایع مهم جهان دریك هفته

اشغالگران آمریکایی در صحرای سینا جایگزین اسرائیلی‌ها می‌شوند

بگفته وزیرخارجه مصر، ایالات متحده، اسرائیل و مصر د رباره همه جوانب تشکیل به اصطلاح "سپاه چند ملیتی د رسینا "به توافق رسید ند.

این سپاه، بطورعمده، گردان های آمریکائی را د ر برخواهد گرفت و حضور سربازان د یگر کشورها تنها جنبه تبلیغاتی د ارد بد ین ترتیب، اشغالگران اسرائیلی د رسیناجای خود را به د رسینا جای خود را به آمریکائی ها خواهند د اد.

ضد انقلابیون «سیا» پرورده قصد ترور کاسترو را داشتند

بگزارش خبرگزاری "پرنسا لاتینا"، نیروهای امنیتی کوبا پنج تروریست را، که روز ٤ ا تیرمخفیانه به خاك این کشور گام نهاد ند، د ستگیر کرد ند. هد ف این تروریست ها، که د رایالات متحده ٔ آمریکا تعلیم یافته بود ند، تخریب اقتصاد ی و سوٴقصد بجان فید ل کاسترود رجشن های ٤مرد اد این کشور بود. آنها سلاحهای آمریکائی مواد منفجره و نشریات ضد انقلابی نزد خود د اشتند. گفته می شود که این پنج تروریست عضو سازمان ضد انقلابی "امگا — ٦٦" هستند، که د رآمریکا مستقراست.

همزمان باسفر فرستاده ویژه ریگان به خاورمیانه، اسرائیل به تجاوزات گسترده علیه لبنان دست زد

فیلیپ حبیب، فرستاد ه ویژه ریگان به خاورمیانه، "طرح" خود را برای لبنان تقد یم بگین کرد.

بگزارش رسانه‌های گروهی، د راین "طرح" بطور عمد ه فراخواند ن موشك های زمین به هوای سوریه مطرح می شود. یاد آور می‌گرد یم، که نیروهای سوریه، بعنوان بخشی از "سپاه پاسدار صلح عرب" د ر لبنان برای د فاع از خود به این موشك ها مجهز شد ه اند. اسرائیل نیز بخاطراد امه حملات خود به لبنان خواستار بیرون برد ن این موشك هاست.

همزمان با د ید ارفیلیپ حبیب از بگین، هواپیما های اسرائیلی بارد یگربه جنوب لبنان حمله برد ند.

براثر بمباران ارد گاههای فلسطینی از سوی هواپیما های اسرائیلی د رجنوب لبنان د ر روز ۱۹ تیر ۶۰، ۳ نفر جان خود را از د ست د اد ند و پانزد ه تن زخمی شد ند.

این هواپیما ها شهرنبطیه و اطراف آن را هد ف بمبها وموشك های خود قرار د اد ند.

کورت والد هایم، د بیرکل سازمان ملل متحد، "نگرانی" خود را از این بابت ابراز د اشت.

سوریه ایالات متحد ه را مسئول اد امه حملات هوائی اسرائیل به لبنان خواند. به عقید ه ٔ این کشور، این عملیات تجاوزکارانه محصول د سیسه های مشترك "واشنگتن" و "تل آویو" است. اعلامیه ای با مضمون بالا روز سه شنبه ۲۳ تیرماه ۶۰، پس از حملات هوائی گسترد ه اسرائیل به جنوب لبنان د ر د مشق انتشار یافت. د رنتیجه بمباران هواپیما های ساخت آمریکا ۱۹ تن کشته و ۲۸ نفر زخمی شد ند.

روز جمعه ۲۶ تیر ۶۰، اسرائیل به تجاوز گسترد ه ای علیه لبنان د ست زد، که د ر آن هواپیما ها، توپخانه وکشتی های این کشور شرکت د اشتند. اسرائیل با هواپیما های ساخت آمریکای خود شش بار بخش باختری بیروت را هد ف حملات خود قرار د اد. این تهاجم سبب خسارات جانی و مالی فراوان شد. د رهمین روز جنوب لبنان نیز بار د یگر مورد حمله اسرائیل قرار گرفت.

یاسرعرفات، رهبر "سازمان آزاد یبخش فلسطین"، کشورهای عرب را فراخواند تا به د فع تجاوزات اسرائیل، که به تشویق "واشنگتن" صورت می گیرد، بشتابند.

د ولت لبنان خواستارفراخوانی جلسه ٔ ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد شد.

دوهزار مبارز ایرلند شمالی در بند اشغالگران "لندن" هستند

د رایرلند شمالی، سربازان بریتانیائی، باگلوله‌های پلاستیکی به سوی سوگواران جومك د انالد شلیك کرد ند. جود انالد د ر روز ۱۷ تیر ۶۰ پس از ۶۱ روز اعتصاب غذا د رزند ان "میز" جان سپرد. وی همچنین مبارز ایرلند ی بود، که بعلت خود د اری د ولت بریتانیا از شناسائی آنها، بعنوان زند انی سیاسی، براثر اعتصاب غذا د رگذ شتند.

روز د وشنبه ۲۲ تیرماه ۶۰، مارتین هرسون، یکی د یگر ازمبارزان ایرلند شمالی پس از ٤٥ روز اعتصاب غذا د رگذ شت. فوت ششمین مبارز ایرلند شمالی بارد یگر تظاهرات مرد م این سرزمین را علیه سیاست سرکوبگرانه "لند ن" برانگیخت. زند انیان "میز" خواستار پایان تحقیر و توهین مقامات نسبت به خود و کسب موقعیت زند انی سیاسی هستند.

بگفته فرانسیس مك کن، یکی اززند انیان سابق ایرلند شمالی، زند انیان "آلستر" مورد تحقیروشکنجه قرار می گیرند. وی افزود که شرایط این زند انها تحمل ناپذ یراست. فرانسیس مك کن اظهارد اشت که اکنون د وهزارمبارزایرلند ی د رزند انهای بریتانیا به سرمی برند.

سقوط

خلق
در جوش و تاب خشم برآمد
و آن دن کیشوت به زیر درآمد
از اسب پیر خویش
و بیگهان پرید
از خواب چین و ماچین
و ز شوکت و شکوه سلاطین

آقای دن کیشوت
با هیبت پلنگ به تصویر
زین سان چه می روید
پی کرده‌اند اسب شما را
و این ابر گرد و خاك
خلق است کینه جوی روان در پی شما

شبگونه رو به درّه خاموش رهسپار
.درقعر درّه آب و درآب اخگر شفق
آنجا برو
آنجا که هست غاری و یاری نیست
آنجا که می روند و فراموش می روند

وخلق می رود به ره خویش چون ارس . . .

جلال سرفراز
۲۷ خرداد ۶۰

برگزاری نهمین کنگره فوق العاده "حزب متحد کارگری لهستان" در ورشو

روز سه شنبه ۲٤ تیرماه ۶۰، نهمین کنگره فوق العاد ه "حزب متحد کارگری لهستان" د ر ورشو گشایش یافت.

استانیسلاو کانیا گزارش کمیته ٔ مرکزی را به کنگره ارائه د اشت. وی گفت که کنگره ٔ نامبرد ه د ر "د ورانی پرتلاطم د ر زند گی لهستان برگزار می شود".

کانیا اظهار د اشت:

"امروزه نباید د ر این باره توهمی د اشت که نبرد طبقاتی حاد ی د رزمینه ٔ سیاسی — اید ئولوژیك بخاطرآیند ه کشور و مقام و مسیر آن د رصحنه بین المللی د ر جریان است".

استانیسلاوکانیا افزود:

لازمست خطری را، که سوسیالیسم راد ر کشور تهد ید می کند، از میان برد اشت، اوضاع اقتصاد ی را ثبات بخشید و نقش رهبری حزب را تقویت نمود. کنگره باید به همه هواد اران سوسیالیسم و د لسوزان آیند ه لهستان چشم اند ازی روشن نشان د هد. کنگره باید حزب را برای مبارزه فعال علیه ضد انقلاب بسیج کند".

سخنران یاد آورشد که "نقشه‌های عناصر ضد انقلاب د ر لهستان به کامیابی نخواهد انجامید. حزب و عناصر خرد مند کشور نخواهند گذ اشت که (لهستان) از راه سوسیالیسم منحرف گرد د".

ویکتورگریشین، رئیس هیئت نمایند گی حزب کمونیست اتحاد شوروی د ر سخنرانی خود گفت:

"موضع اتحاد شوروی د ر باره روند اوضاع بحرانی لهستان د ر نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان د ر اوایل ژوئن بیان شد. ما پیوسته معتقد بود ه وهستیم که رهائی لهستان از این بحران وظیفه ٔ کمونیست ها و زحمتکشان لهستان است. د رعین حال هنگامیکه مسئله آیند ه سوسیالیسم د ر کشورهای براد ر مطرح است، حزب کمونیست اتحاد شوروی و مرد م شوروی نمی‌توانند بی تفاوت بمانند".

ویکتورگریشین افزود:

"مرد م شوروی هیچگاه د وستان و هم پیمانان خود را به هنگام د شواری تنها نگذ اشته اند. رویداد های بحرانی لهستان نگذ اشته‌اند. رویداد های بحرانی لهستان بارد یگر ثابت نگذ اشته‌اند. رویداد های بحرانی لهستان بارد یگرثابت کرد، که هنگامیکه از اصول جهان شمول مارکسیسم — لنینسم انحراف حاصل شود، نیروهای ستیزه جو فرصت را برای انتقام جوئی از د ست نخواهند د اد و د ر راه استقرار نظام کهن خواهند کوشید".

نهمین کنگره فوق العاد ه "حزب متحد کارگری لهستان" به بررسی راه‌های رهائی لهستان ازبحران کنونی پرد اخت.

نمایند گان کنگره، فزون برکاوش ریشه‌های بحران، پیشنهاد های مشخصی برای تقویت نظام سوسیالیسم، گسترش د موکراسی و تضمین نقش رهبری حزب ارائه د اشتند.

کوبیاکی، کارگر یك کارخانه نساجی، بر ضرورت تقویت سوسیالیسم تأکید کرد، که، بگفته او، "به کارگر لهستانی زند گی شرافتمند انه وکامل را آموخته است".

لابنسکی، د بیراول سازمان حزبی د ر اسکله ٔ گد انسك، گفت:

"ما می د انیم که تنها کارگران شرافتمند و متشکل به ما کمك خواهند کرد تا ازبحران کنونی رهائی یابیم".

بانیلا، معاون وزارت د فاع ورئیس بخش سیاسی ارتش لهستان، گفت:

"کمونیست های ارتش از پیشنهاد‌هائی، که د رگزارش حزب د رباره رهائی از بحران شد ه است، پشتیبانی می کنند".

وی به تهد ید مستقیم عناصر ضد سوسیالیستی، که از پشتیبانی مراکز خارجی تخریب سیاسی بهره مند می شوند، اشاره نمود.

مخالفت با خودکامگی و نظامیگری رژیم ضیاء الحق بالا می‌گیرد

ایند یراگاند ی، نخست وزیرهند، "نگرانی عمیق" خود را از واگذ اری جنگند ه های "ف — ۱۶" از سوی ایالات متحد ه به پاکستان ابراز د اشت.

وی د رمصاحبه ای مطبوعاتی، د رد هلی گفت که این امرسبب آغاز د وری جد ید از مسابقه ٔ تسلیحاتی د رقاره ٔ آسیا خواهد شد.

از سوی د یگر، پلیس پاکستان د ه مخالف د یگر رژیم نظامی این کشور راد ستگیرکرد. به گزارش "آسوشیتد پرس"، این د ه نفر اعضای "جنبش د ر راه استقرار د موکراسی" هستند. پلیس به یك جلسه سری "جنبش"، که د ر آن د رباره زند انیان سیاسی وبویژه شکنجه آنان بحث می شد، حمله برد. بگفته ٔ "حزب خلق پاکستان"، اکنون بیش از سه هزارمیهن د وست این کشور د رزند ان بسر می برند.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دمکراتیك مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی ـ صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷